

راه علاج مسئله فلسطین از نگاه رهبر معظم انقلاب

معظم له از سال ۱۳۶۹ تاکنون بیش از ۴۲ بار بر «راه علاج مسئله فلسطین» تاکید کرده اند

مقام معظم رهبری در سخنرانی ها که در پایگاه اینترنتی خامنه ای دات آی آر از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۹۸ جمع آوری شده است راه حل و علاج را برای خود فلسطینی ها مقاومت و ایستادگی و برای جامعه بین المللی عدم دخالت آمریکا و مراجعه به ارای عمومی فلسطینی های اصیل اعم از یهودی، مسیحی و مسلمان می داند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت الله خامنه ای بنا برآنچه که سایت khamenei.ir از سخنرانی های ایشان آورده از سال ۱۳۶۹ تاکنون در نزدیک به ۴۲ سخنرانی که درباره راه حل مسئله فلسطین در مناسبت های مختلف انجام داده اند با پرداختن به موضوع فلسطین راه حل مسئله فلسطین را نیز ارائه کرده اند.

معظم له در این سخنرانی ها که در پایگاه اینترنتی خامنه ای دات آی آر از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۹۸ جمع آوری شده است راه حل و علاج را برای خود فلسطینی ها مقاومت و ایستادگی و برای جامعه بین المللی عدم دخالت آمریکا و مراجعه به ارای عمومی فلسطینی های اصیل اعم از یهودی، مسیحی و مسلمان می داند. برای روشن شدن دیدگاه معظم له در خصوص راه حل و علاج مسئله فلسطین، بخش هایی از این سخنرانی ها که به موضوع فلسطین و ارائه راه حل پرداخته شده عینا نقل می شود.

راه حل مسئله فلسطین

امروز بزرگترین مصیبت دنیای اسلام، قضیه‌ی فلسطین است که ملتی را از خانه و وطن خود آواره کردند.

از ابتدای انقلاب اسلامی تا به امروز همچنان بر این موضع باقی هستیم، یعنی بدون ملاحظه و رودربایستی به فلسطین و فلسطینی‌ها کمک کرده و خواهیم کرد و این کار را وظیفه‌ی همه‌ی دنیای اسلام میدانیم.

ما طرفدار فلسطین و استقلال و نجات آن هستیم و محو اسرائیل به معنای محو مردم یهودی نیست، چراکه ما با آنها هیچ کاری نداریم همچنان که در کشور ما نیز جمعی از یهودیان در کمال امنیت زندگی میکنند.

مردم فلسطین چه مسلمان چه مسیحی و چه یهودی که صاحبان اصلی آن سرزمین هستند باید بتوانند خودشان دولت خود را انتخاب، و بیگانه‌ها و اراذل و اوباشی مانند نتانیاهو را بیرون و کشورشان را اداره کنند که البته این اتفاق خواهد افتاد. ۲۴/۰۸/۱۳۹۸

در جمع سران قوا، مسئولان نظام ومیهمانان شرکت‌کننده در اجلاس بین‌المللی وحدت اسلامی

حل مشکلات دنیای اسلام با همدلی مسلمانها

امروز مسئله‌ی فلسطین جزو مسائل درجه‌ی اول بلکه مسئله‌ی اول دنیای اسلام است، آن وقت در بحرین اجلاس تشکیل میدهند به دستور آمریکا علیه مسئله‌ی فلسطین، برای نابود کردن مسئله‌ی فلسطین! حکام بحرین بدانند زیر پای خودشان را دارند خالی میکنند؛ گول سعودی‌ها را نخورند. خود اینها و سعودی‌ها هم دارند زیر پای خودشان را خالی میکنند، به ضرر خودشان [تمام میشود]: فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً؛ (۱) پول خرج میکنند، زحمت میکشند اما بر خلاف خواسته‌ی آنها علیه خودشان تمام خواهد شد؛ این را قرآن به طور قطعی میگوید. و اینها هم علیه خودشان تمام میشود منتها نمیفهمند؛ متأسفانه نمیفهمند. [اگر] برگردند، راه برگشتن باز است؛ [اگر] توبه کنند، راه توبه باز است: إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا؛ (۲) [اگر] اصلاح کنند؛ آن فسادهایی را که ایجاد کردند اصلاح کنند. امروز دنیای اسلام به این نیاز دارد. مشکلات دنیای اسلام با همراهی مسلمانها با هم، با همدلی مسلمانها با هم حل خواهد شد؛ باید برای این تلاش کرد، و روشنفکران دنیای اسلام موظفند، علمای دنیای اسلام موظفند.

ما در جمهوری اسلامی، هزینه‌های دفاع از فلسطین را پذیرفتیم. گفتیم از فلسطین دفاع میکنیم، دنیای استکبار در مقابل ما ایستاد و ضربه زد اما ما استقامت کردیم، ایستادیم، باز هم خواهیم ایستاد، و مسلم میدانیم که پیروزی نهایی متعلق است به ملت فلسطین. ۱۵/۰۳/۱۳۹۸

[بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی](#)

راه حل مسئله فلسطین

ما مثل بعضی از رهبران قدیمی عرب که گفتند یهودی‌ها را به دریا میریزیم، اهل به دریا ریختن یهودی‌ها نیستیم. ما میگوییم مبارزات همه‌جانبه‌ی ملت فلسطین - مبارزات سیاسی، مبارزات نظامی، مبارزات اخلاقی و فرهنگی - باید ادامه پیدا کند تا کسانی که غاصب فلسطین هستند، تسلیم رأی ملت فلسطین بشوند. از همه‌ی مردم فلسطین اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی فلسطینی و آن کسانی که در خارج فلسطین تبعیدشده‌ی از فلسطین هستند، نظرخواهی بشود، و اینها معین کنند که چه نظامی در فلسطین حاکم باشد و همه تسلیم آن باشند؛ مبارزه تا این زمان باید ادامه پیدا کند و ادامه پیدا خواهد کرد، و به لطف الهی و به توفیق الهی و به حول و قوه‌ی الهی ملت فلسطین در این مبارزه‌ی مسالمت‌آمیز انسانی مورد قبول همه‌ی عرفهای عاقل عالم مسلط خواهد شد و کشور فلسطین به مردم فلسطین برخواهد گشت؛ و به توفیق الهی، شما جوانها ان شاء الله آن روز را خواهید دید. ۱۵/۰۳/۱۳۹۸

[بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی](#)

راه حل مسئله فلسطین

مثل همه‌ی کشورهای آزاد دنیا، مردم فلسطین - فلسطینیان واقعی - بایستی مورد سؤال قرار بگیرند؛ چه مسلمانان، چه مسیحی‌شان و چه یهودی‌شان؛ آنهایی که فلسطینی‌اند، نه آنهایی که از جاهای دیگر وارد فلسطین شده‌اند. آراء آن کسانی که فلسطینی هستند باید مورد مراجعه قرار بگیرد و از آنها نظرخواهی بشود و آنها نظام حکومتی کشور فلسطین را معین کنند؛ آن نظام حکومتی نسبت به کسانی که وارد این منطقه شده‌اند، [یعنی] صهیونیست‌ها و رؤسایشان و بقیه، تصمیم خواهد گرفت. راه حل فلسطین جز این نیست و این همان نابود شدن و از بین رفتن رژیم باطل و جعلی صهیونیستی است که امروز بر سر کار

است؛ و این امر به طور قطعی در آینده‌ی نه‌چندان دوری -نمیشود زمان معین کرد؛ آینده‌ای که خیلی دور نیست- قطعاً به حول و قوه‌ی الهی تحقق پیدا خواهد کرد. اگر این شد، ملت‌های مسلمان در این منطقه خواهند توانست ان‌شاءالله وحدت خودشان را به دست بیاورند. ۲۵/۰۳/۱۳۹۷

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی

راه حل مسئله فلسطین

در روزهایی که شدت یافتن ظلم و قساوت دشمن صهیونیست در غزه، دلبستگان به مسأله‌ی فلسطین را غمگین و خشمگین ساخته، لازم میدانم بار دیگر بر مواضع همیشگی جمهوری اسلامی در این مسأله‌ی مهم که در صدر مسائل امت اسلامی است تأکید کنم. بیشک مبارزه و مقاومت تنها راه نجات فلسطین مظلوم و تنها نسخه‌ی شفابخش جراحات وارد بر پیکر آن ملت شجاع و سرافراز است.

...

امروز بازگشت به عزّت و اقتدار برای امت اسلامی منحصراً در گرو ایستادگی در برابر استکبار و نقشه‌های خیانت‌آمیز آن است، و مسأله‌ی فلسطین در رأس همه‌ی مسائل بین‌الملل اسلامی در مقابل استکبار است. حرکت به سمت مذاکره با رژیم فریبکار و دروغگو و غاصب، خطای نابخشودنی بزرگی است که پیروزی ملت فلسطین را به عقب می‌اندازد و جز خسران عاید آن ملت ستم‌کشیده نمیکند. خیانت برخی سران عرب که اکنون به تدریج در حال آشکار شدن است نیز همین هدف را دنبال میکند. علاج این همه تقویت جناح مبارز و مقاوم در دنیای اسلام و تشدید مبارزه با رژیم غاصب و پشتیبانان آن است. ۱۵/۰۱/۱۳۹۷

پاسخ رهبر انقلاب به نامه آقای اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس

راه حل مسئله فلسطین

در همین قضیه‌ی رژیم اشغالگر، جمال عبدالناصر در آن چهل پنجاه سال پیش که شماها نبودید، شعار میداد که ما یهودی‌ها را میریزیم به دریا، یعنی [وقتی] میخواست علیه اسرائیل حرف بزند، میگفت یهودی‌ها را میریزیم به دریا؛ جمهوری اسلامی از روز اوّل چنین حرفی نزده؛ ما از روز اوّل طرح ارائه کرده‌ایم؛ ما گفته‌ایم که امروز دموکراسی و مراجعه‌ی به آراء عمومی یک شیوه‌ی مدرن و پیشرفته است که همه‌ی دنیا هم قبول دارند؛ بسیار خب، برای تعیین نوع حکومت کشور تاریخی فلسطین، به افکار عمومی مردم فلسطین مراجعه کنید، یک رفراندوم راه بیندازید؛ این، چند سال قبل به‌عنوان نظر جمهوری اسلامی و فکر جمهوری اسلامی به سازمان ملل گفته شده و در آنجا ثبت شده. این حرف ما است: آنهایی که واقعاً فلسطینی‌اند -مثلاً فرض کنید آنهایی که لااقل از صد سال پیش به آن طرف فلسطینی بودند، هشتاد سال پیش به آن طرف فلسطینی [بودند]؛ در فلسطین، هم مسلمان بوده، هم یهودی وجود داشته، هم مسیحی وجود داشته که فلسطینی‌اند- از این فلسطینی‌ها در هر جا که هستند، چه در خود سرزمین‌های اشغالی یعنی کلّ سرزمین فلسطین، و چه در خارج از فلسطین، نظرخواهی بشود؛ هر نظامی را که اینها معین کردند برای سرزمین فلسطین، آن نظام مورد قبول است؛ هرچه آنها خواستند. این نظر، نظر بدی است؟ این

نظر، نظر پیشرفته‌ای نیست؟ ۲۰/۰۳/۱۳۹۷
بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها

راه حل مسئله فلسطین

مشکل روند سازش فقط در این نیست که با کوتاه آمدن از حق یک ملت، به رژیم غاصب مشروعیت میدهد، که خود خطائی بزرگ و نابخشودنی است، بلکه مشکل در آن است که اساساً هیچ تناسبی با شرایط کنونی مسئله‌ی فلسطین ندارد و خصلت‌های توسعه‌طلبانه و سرکوبگرانه و آزمندانه‌ی صهیونیست‌ها را در نظر نمیگیرد؛ اما این ملت، با اغتنام فرصت توانسته است نادرستی ادعای مدعیان سازش را به اثبات رساند و در نتیجه، نوعی اجماع ملی در مورد روش‌های درست مبارزه برای احقاق حقوق حقه‌ی ملت فلسطین شکل گرفته است.

اینک مردم فلسطین در کارنامه‌ی سه دهه‌ی گذشته‌ی خود، دو الگوی متفاوت را تجربه کرده‌اند و میزان تناسب آن با شرایط خویش را دریافته‌اند. در مقابل روند سازش، الگوی مقاومت قهرمانانه و مستمر انتفاضه‌ی مقدس قرار دارد که دستاوردهای عظیمی برای این ملت داشته است. بی دلیل نیست که این روزها مشاهده میکنیم که از سوی مراکز معلوم الحال، «مقاومت»، مورد هجوم و یا «انتفاضه»، مورد سؤال قرار میگیرد. از دشمن انتظاری جز این نیست؛ زیرا به درستی این راه و ثمربخش بودن آن وقوف کامل دارد؛ اما گاه مشاهده میکنیم که برخی از جریانها و حتی کشورهایی که در ظاهر ادعای همراهی با مسئله‌ی فلسطین را دارند، ولی در حقیقت درصددند تا مسیر درست این ملت را منحرف کنند، به مقاومت حمله میکنند. ادعای آنان این است که مقاومت در پی چند دهه از عمر خود، هنوز نتوانسته است آزادی فلسطین را محقق سازد؛ پس این روش نیازمند بازنگری است! در پاسخ باید گفت: درست است که مقاومت هنوز نتوانسته به هدف غائی خود یعنی آزادی کل فلسطین دست یابد، لیکن مقاومت توانسته است مسئله‌ی فلسطین را زنده نگه دارد. باید دید اگر مقاومت نبود، اینک در چه شرایطی به سر میبردیم؟ مهم‌ترین دستاورد مقاومت، ایجاد مانع اساسی در برابر پروژه‌های صهیونیستی است. موفقیت مقاومت، در تحمیل یک جنگ فرسایشی به دشمن است، یعنی توانسته برنامه‌ی اصلی رژیم صهیونیستی را که سیطره بر کل منطقه بود، به شکست بکشاند. در این روند، باید بحق، از اصل مقاومت و سلحشورانی که در دوره‌های مختلف و از همان ابتدای اجرای پرده‌ی تأسیس رژیم صهیونیستی به مقاومت پرداختند و با تقدیم جان خود، پرچم مقاومت را برافراشته نگاه داشته و نسل به نسل آن را منتقل کردند، تجلیل شود. نقش مقاومت در دوره‌های بعد از اشغال بر کسی پوشیده نیست و یقیناً نمیتوان حتی نقش مقاومت را در پیروزی ولو مختصر جنگ سال ۱۳۵۲ مصادف با ۱۹۷۳ میلادی نادیده انگاشت؛ و از سال ۱۳۶۱ مصادف با ۱۹۸۲ میلادی که عملاً بار مقاومت بر دوش مردم داخل فلسطین قرار گرفت، مقاومت اسلامی لبنان - حزب الله - از راه رسید تا یاریگر فلسطینیان در مسیر مبارزاتی‌شان باشد. اگر مقاومت، رژیم صهیونیستی را زمین‌گیر نکرده بود، اینک شاهد دست‌اندازی آن به دیگر سرزمین‌های منطقه بودیم؛ از مصر گرفته تا اردن و عراق و خلیج فارس و غیره؛ آری این دستاورد بسیار مهم است، اما این تنها دستاورد مقاومت نیست و آزادی جنوب لبنان و آزادی غزه، تحقق دو هدف مرحله‌ای مهم در روند آزادی فلسطین به شمار میرود که توانسته است روند گسترش جغرافیایی رژیم صهیونیستی را معکوس گرداند. از اوایل دهه‌ی ۶۰ هجری

شمسی مصادف با دهه‌ی ۸۰ میلادی به بعد، دیگر نه تنها رژیم صهیونیستی قادر نبوده است به سرزمین‌های جدیدی دست‌اندازی کند، بلکه عقب‌گرد آن با خروج ذلت‌بار از جنوب لبنان آغاز شد و با خروج ذلت‌بار دیگر از غزه استمرار یافت. هیچ‌کس نمیتواند منکر نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ی مقاومت در انتفاضه‌ی نخست باشد. در انتفاضه‌ی دوم نیز نقش مقاومت، اساسی و برجسته بود. انتفاضه‌ای که در نهایت، رژیم صهیونیستی را وادار کرد تا از غزه خارج شود. جنگ ۳۳ روزه‌ی لبنان و جنگ‌های ۲۲ روزه، ۸ روزه و ۵۱ روزه در غزه، همگی صفحات درخشانی از کارنامه‌ی مقاومت است که موجب افتخار تمام ملت‌های منطقه، جهان اسلام و همه‌ی انسان‌های آزادی‌خواه جهان است. ۰۳/۱۲/۱۳۹۵

[بیانات در ششمین کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین](#)

راه حل مسئله فلسطین

اگر شما مجاهدت کردید، قدرت خدا می‌آید پشت شما. لشکر بی‌عقبه، کاری نمیتواند بکند؛ لشکری که عقبه دارد، [نیروی] احتیاط دارد، نیروی ذخیره‌ی فراوان دارد، همه کار میتواند بکند. حالا اگر لشکری عقبه‌اش، ذخیره‌اش عبارت بود از قدرت الهی، این لشکر دیگر شکست‌بخور است؟ امام این را به ما فهماند؛ فهماند که وقتی مجاهدت میکنید، وقتی تنبلی نمیکنید، وقتی وارد میدان میشوید، وقتی نیروهای خودتان را به صحنه وارد میکنید، اینجا قدرت خدا است که پشت سر شما است، [لذا] خرمشهر را خدا آزاد میکند. با این منطق، همه‌ی دنیای مسخر استکبار را هم خدا میتواند آزاد کند. با این منطق، فلسطین هم میتواند آزاد بشود. با این منطق، هر ملتی میتواند مستضعف نماند؛ به شرطی که این منطق تحقق پیدا کند. وقتی ما این منطق را داشتیم، شکست‌ناپذیر میشویم. وقتی با این منطق وارد میدان شدیم، ترس و مرعوب شدن [نخواهد بود]؛ قدرت نظامی یا تبلیغاتی یا پولی و مالی و اقتصادی قدرتها در مقابل ما، دیگر ترسناک و هولناک نخواهند بود؛ متکی هستیم به قدرت خدا. ۰۳/۰۳/۱۳۹۵

[بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام](#)

راه حل مسئله فلسطین

در مسئله‌ی فلسطین ما ضمن نفی رژیم غاصب و جعلی و محکومیت شدید فجایع و جنایات روزانه‌ی این رژیم، برگزاری انتخابات با حضور همه‌ی فلسطینی‌ها را پیشنهاد کرده‌ایم که با موازین جاری دنیا نیز کاملاً منطبق است.

...هر دولتی از دل آرای ملت فلسطین بیرون بیاید تکلیف صهیونیست‌ها و ساکنان سرزمین‌های اشغالی را مشخص خواهد کرد البته در مخالفت با پیشنهاد منطقی ما گفته‌اند این به معنای فروپاشی رژیم غاصب است که طبیعی است این رژیم جعلی باید دچار فروپاشی شود. ۱۰/۰۸/۱۳۹۴

[دیدار وزیر امور خارجه، سفیران و مسئولان نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور با رهبر انقلاب](#)

راه حل مسئله فلسطین

این منطقی که امام بزرگوار مطرح کردند که «اسرائیل باید از بین برود»، یک منطق انسانی است؛ ما سازوکار عملی آن را هم به دنیا ارائه کردیم، که کسی هم نتوانست هیچ ایراد منطقی بگیرد. ما گفتیم از این مردمی که در این منطقه زندگی میکنند و اهل اینجا هستند و متعلق به خود اینجا هستند، یک نظرسنجی و نظرخواهی بشود؛ یعنی یک رفرا ند می انجام بگیرد، رژیم حاکم بر این منطقه را رفرا ند می کن، مردم معین کنند؛ معنای از بین رفتن رژیم صهیونیستی یعنی این؛ سازوکار آن این است؛ یک کاری است که منطق امروز دنیا آن را درک میکند و میفهمد و میپسندد و کاری است عملی. ما حتی شکل آن را هم در ارتباط با سازمان ملل و بعضی از مراجع بین المللی تعیین کردیم و ابراز کردیم، محل بحث هم واقع شد؛ یعنی این رژیم وحشی و گرگ صفت که سیاستش این است که با مشت آهنین، با بی رحمی و سنگدلی با مردم رفتار بکند و آدم کشی و کودک کشی و حمله ی به مناطق و ویرانگری اصلاً برایش مهم نیست و انکار هم نمیکند، علاجش جز از بین رفتن و نابود شدن نیست؛ که اگر ان شاء الله آن روز فرارسید و نابود شد، که چه بهتر؛ [اما] تا وقتی که این رژیم جعلی سرپا است و نابود نشده است، علاج چیست؟ علاج، مقاومت قاطع و مسلحانه ی در مقابل این رژیم است؛ در مقابله ی با رژیم صهیونیستی، باید از سوی فلسطینی ها دست قدرت نشان داده بشود. کسی گمان نکند که اگر چنانچه موشکهای غزه نبود، رژیم صهیونیستی کوتاه می آمد؛ نخیر. حالا شما نگاه کنید ببینید در کرانه ی باختری چه میکنند! در کرانه ی باختری که موشکی وجود ندارد، سلاحی وجود ندارد، تفنگی وجود ندارد؛ آنجا تنها ابزار و سلاح مردم، سنگ است؛ ببینید آنجا رژیم صهیونیستی دارد چه کار میکند: هرچه از دستش بر بیاید، خانه های مردم را خراب میکند، باغهای مردم را خراب میکند، زندگی مردم را نابود میکند، آنها را به خواری و ذلت میکشاند، تحقیر میکند؛ اگر لازم شد آب را رویشان میبندد، برق را رویشان میبندد؛ کسی مثل یاسر عرفات را که این همه با صهیونیستها همراهی کرد، نتوانستند تحمل کنند، محاصره اش کردند، تحقیرش کردند، مسمومش کردند، نابودش کردند. این جور نیست که اگر چنانچه دست قدرت در مقابل صهیونیستها نشان ندهیم، آنها به کسی رحم کنند، ملاحظه ی کسی را نکنند، حق کسی را رعایت کنند، ابداً؛ تنها علاجی که تا قبل از نابودی این رژیم وجود دارد عبارت است از اینکه فلسطینی ها بتوانند قدرتمندانه برخورد کنند؛ اگر قدرتمندانه برخورد کردند، احتمال اینکه طرف مقابل - که همین رژیم گرگ صفتِ خشن است - کوتاه بیاید، وجود دارد؛ کما اینکه الان دارند با همه ی توان دنبال آتش بس میگردند؛ یعنی بیچاره شدند. آدم کشی میکند، کودک کشی میکند، قساوت بیرون از حد و اندازه ی معقول بشری نشان میدهد، اما در عین حال عاجز هم هست؛ یعنی در یک محذور، در یک گرفتاری سخت گرفتار است؛ لذا دنبال آتش بس است. لذا بنده عقیده ام این است، این اعتقاد ما است که کرانه ی باختری هم مثل غزه باید مسلح بشود. دست قدرت [لازم است]. کسانی که علاقه مند به سرنوشت فلسطینند، اگر میتوانند کاری بکنند، کار این است؛ در آنجا هم باید مردم را مسلح کنند. تنها چیزی که ممکن است از محنت فلسطینی ها بکاهد، عبارت است از همین که دست قدرت داشته باشند، بتوانند قدرت نمایی بکنند؛ والا با برخورد رام و مطیع و سازش کارانه، هیچ کاری به نفع فلسطینی ها انجام نخواهد گرفت و از خشونت این موجود خشن و خبیث و گرگ صفت چیزی کاسته نخواهد شد. ۱۳۹۳/۰۵/۰۱

[بیانات در دیدار دانشجویان](#)

راه حل مسئله فلسطین

رژیم صهیونیستی که با به راه انداختن جنگهای فاجعه‌بار و کشتار مردم و اشغال سرزمینهای عربی و سازماندهی تروریسم دولتی در منطقه و جهان، دهها سال ترور و جنگ و شرارت به راه انداخته، ملت فلسطین را که برای احقاق حق خود به پا خاسته و مبارزه میکنند، تروریست مینامد و شبکه‌ی رسانه‌های متعلق به صهیونیسم و بسیاری از رسانه‌های غربی و مزدور نیز با زیر پا گذاشتن تعهد اخلاقی و رسانه‌ای، این دروغ بزرگ را تکرار میکنند. سردمداران سیاسی مدعی حقوق بشر نیز چشم بر این همه جنایت بسته و بدون شرم و پروا، از آن رژیم فاجعه‌آفرین حمایت کرده و در نقش وکیل مدافع آن ظاهر میشوند.

سخن ما آن است که فلسطین متعلق به فلسطینی‌ها است و ادامه‌ی اشغال آن، ظلمی بزرگ، تحمل‌ناپذیر و خطری عمده برای صلح و امنیت جهانی است. همه‌ی راههایی که غریبه‌ها و وابستگان آنها برای «حل مسئله‌ی فلسطین» پیشنهاد کرده و پیموده‌اند، غلط و ناموفق بوده است و در آینده نیز چنین خواهد بود. ما راه‌حلی عادلانه و کاملاً دموکراتیک را پیشنهاد کرده‌ایم: همه‌ی فلسطینی‌ها، چه ساکنان کنونی آن، و چه کسانی که به کشورهای دیگر رانده شده و هویت فلسطینی خود را حفظ کرده‌اند، اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی، در یک همه‌پرسی عمومی، با نظارتی دقیق و اطمینان‌بخش شرکت کنند و ساختار نظام سیاسی این کشور را انتخاب نمایند و همه‌ی فلسطینیانی که سالها رنج آوارگی را تحمل کرده‌اند، به کشور خود باز گردند و در این همه‌پرسی و سپس تدوین قانون اساسی و انتخابات، شرکت نمایند. آنگاه صلح برقرار خواهد شد. ۰۹/۰۶/۱۳۹۱

[بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد](#)

راه حل مسئله فلسطین

طرح جمهوری اسلامی برای حل قضیه‌ی فلسطین و التیام این زخم کهنه، طرحی روشن، منطقی و منطبق بر معارف سیاسی پذیرفته شده‌ی افکار عمومی جهانی است که قبلاً به تفصیل ارائه شده است. ما نه جنگ کلاسیک ارتشهای کشورهای اسلامی را پیشنهاد میکنیم، و نه به دریا ریختن یهودیان مهاجر را، و نه البته حکمیت سازمان ملل و دیگر سازمانهای بین‌المللی را؛ ما همه‌پرسی از ملت فلسطین را پیشنهاد میکنیم. ملت فلسطین نیز مانند هر ملت دیگر حق دارد سرنوشت خود را تعیین کند و نظام حاکم بر کشورش را برگزیند. همه‌ی مردم اصلی فلسطین، از مسلمان و مسیحی و یهودی - نه مهاجران بیگانه - در هر جا هستند؛ در داخل فلسطین، در اردوگاه‌ها و در هر نقطه‌ی دیگر، در یک همه‌پرسی عمومی و منضبط شرکت کنند و نظام آینده‌ی فلسطین را تعیین کنند. آن نظام و دولت برآمده‌ی از آن، پس از استقرار، تکلیف مهاجران غیر فلسطینی را که در سالیان گذشته به این کشور کوچ کرده‌اند، معین خواهد کرد. این یک طرح عادلانه و منطقی است که افکار عمومی جهانی آن را بدرستی درک میکند و میتواند از حمایت ملتها و دولتهای مستقل برخوردار شود. البته انتظار نداریم که صهیونیستهای غاصب به‌آسانی به آن تن در دهند، و اینجاست که نقش دولتها و ملتها و سازمانهای مقاومت شکل میگیرد و معنی می‌یابد. مهمترین رکن

حمایت از ملت فلسطین، قطع پشتیبانی از دشمن غاصب است؛ و این وظیفه‌ی بزرگ دولتهای اسلامی است.

اکنون پس از به میدان آمدن ملتها و شعارهای قدرتمندانه‌ی آنان بر ضد رژیم صهیونیست، دولتهای مسلمان با چه منطقی روابط خود با رژیم غاصب را ادامه میدهند؟ سند صداقت دولتهای مسلمان در جانبداری‌شان از ملت فلسطین، قطع روابط آشکار و پنهان سیاسی و اقتصادی با آن رژیم است. دولتهائی که میزبان سفارتخانه‌ها یا دفاتر اقتصادی صهیونیست‌هایند، نمیتوانند مدعی دفاع از فلسطین باشند و هیچ شعار ضد صهیونیستی از سوی آنان، جدی و واقعی تلقی نخواهد شد.

سازمانهای مقاومت اسلامی که بار سنگین جهاد را در سالهای گذشته بر دوش داشته‌اند، امروز نیز با همان تکلیف بزرگ روبه‌رویند. مقاومت سازمان‌یافته‌ی آنان، بازوی فعالی است که میتواند ملت فلسطین را به سوی این هدف نهائی به پیش ببرد. مقاومت شجاعانه از سوی مردمی که خانه و کشورشان اشغال شده، در همه‌ی میثاقهای بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و مورد تحسین و تجلیل قرار گرفته است. تهمت تروریسم از سوی شبکه‌ی سیاسی و رسانه‌ای وابسته به صهیونیسم، سخن پوچ و بی‌ارزشی است. تروریست آشکار، رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آنها؛ و مقاومت فلسطینی، حرکتی ضد تروریستهای جرّار و حرکتی انسانی و مقدس است. ۰۹/۰۷/۱۳۹۰

[بیانات در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین](#)

راه حل مسئله فلسطین

موضع ما در مقابل فلسطین هم موضع روشنی است. ما معتقدیم سرزمین فلسطین، کشور فلسطین، یکجا متعلق به فلسطینی‌هاست. آن کسانی که سعی کردند نقشه‌ی فلسطین را از روی صفحه‌ی جغرافیا پاک کنند، اشتباه کردند؛ چنین اتفاقی نخواهد افتاد. فلسطین باقی است. چند دهه‌ای غاصبان آن را غصب کردند، اما بدون تردید دوباره به مردم فلسطین و به آغوش اسلام برخواهد گشت؛ و این اتفاق خواهد افتاد. مردم فلسطین هم بیدارند. فلسطین تجزیه‌پذیر هم نیست؛ فلسطین یکپارچه متعلق به فلسطینیان است. جمهوری اسلامی از چند سال پیش راه حل را اعلام کرده است. راه حل مسئله‌ی فلسطین، این راه‌حلهای آمریکائی و امثال آنها نیست؛ اینها راه به جائی نخواهد برد. راه حل این است که یک فراندوم و همه‌پرسی‌ای از مردم فلسطین انجام بگیرد؛ هر رژیمی را که آنها بر طبق فراندوم رأی دادند، آن رژیم باید بر کل فلسطین حاکم شود. بعد آنها خودشان تصمیم خواهند گرفت که با این صهیونیست‌هایی که از خارج وارد کشور فلسطین شدند، چه معامله‌ای بکنند؛ این بسته به نظر آن رژیمی است که برخاسته‌ی از آراء مردم فلسطین است. ۱۴/۰۳/۱۳۹۰

[بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی \(رحمه‌الله\)](#)

راه حل مسئله فلسطین

تنها راه حل مسئله‌ی فلسطین، مقاومت و مبارزه است. ۰۸/۱۲/۱۳۸۸

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه‌ی همایش غزه

راه حل مسئله فلسطین

راه قدس، راه فلسطین، راه نجات و راه حل مسئله‌ی فلسطین، جز راه مبارزه نیست. ۰۸/۱۲/۱۳۸۸

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه‌ی همایش غزه

راه حل مسئله فلسطین

من عرضم این است که این استقامت را، این روحیه را باید در مردم هر چه می‌توانید پایدار کنید. شما گفتید و درست هم گفتید: تنها راه حل مسئله‌ی فلسطین، مقاومت است و مبارزه است. این، درست است؛ لکن این مقاومت و مبارزه، متوقف است بر حفظ روحیه‌ی این مردم، حفظ امید این مردم، نگه داشتن مردم در صحنه. این، به نظر من بزرگ‌ترین کاری است که مجموعه‌های فلسطینی و سازمانهای فلسطینی، مبارزان فلسطینی باید انجام بدهند. این فشارهایی که امروز از هر دو طرف، چه از طرف دشمن صهیونیست، چه از آن طرف، بر غزه وارد میشود، به قصد این است که مردم را از مقاومت روگردان کنند. فشارهایی که در ساحل غربی بر مردم وارد میشود؛ چه در شهرک‌سازی‌ها، چه در مسئله‌ی قدس - که ایشان بیان کردند - چه آن سختگیری‌های عجیب، چه در دیوار حائل و امثال اینها، برای این است که مردم را از مقاومت روگردان کنند و به سمت گزینه‌ی تسلیم، سوق بدهند. نباید بگذاریم؛ نباید بگذارید که این اتفاق بیفتد. مردم فلسطین را، مردم غزه را، این ملت مقاوم و پولادین را باید امیدوار نگه دارید و بدانند که این حرکت عظیم آنها به نتیجه خواهد رسید. این، یک نکته است که به نظر من خیلی مهم است.

نکته‌ی دیگر این است که ما آنچه که در قضیه‌ی فلسطین از پیشرفت مشاهده میکنیم - که این پیشرفت قابل انکار نیست - اقتدار روزافزون جبهه‌ی مقاومت در مقابل جبهه‌ی استکبار و کفر است که امر مشهود و واضحی است. آنچه در این زمینه ملاحظه میشود، ناشی از ایمان به خدا و توکل به خدا و وارد کردن عنصر معنویت در مبارزه است. اگر یک مبارزه با عنصر ایمان همراه نباشد، آسیب‌پذیر میشود. آن وقتی مبارزه موفق خواهد شد که در او ایمان به خدا و توکل به خدا وجود داشته باشد. روحیه‌ی دین را و ایمان حقیقی به وعده‌ی الهی و توکل به خدای متعال را باید در مردم تقویت کنید؛ حسن‌ظن به خدای متعال و به وعده‌ی الهی را باید در مردم تقویت کنید. خود ما هم بایستی به خدای متعال حسن‌ظن داشته باشیم. خدای متعال اصدق القائلین است؛ او به ما میگوید: «لَیْنَصْرَنَّ اللّٰهَ مِنْ یَنْصُرْهُ»؛ او به ما میفرماید که: «من کان للّٰه کان اللّٰه له»؛ او میگوید که: از دشمن نهراسید، «ان کید الشّیطان کان ضعیفاً». او به ما این را تلقین میکند؛ بیان میکند. خداوند متعال صادق است. ما اگر به وظیفه‌ی خودمان در این راه عمل بکنیم، برای خدا حرکت کنیم، برای خدا مبارزه کنیم، هدف را رضای خدا قرار بدهیم، بدون شک پیروزی نصیب خواهد شد.

من به شما عرض کنم: پیروزی ملت فلسطین در بازگرداندن حق خود، دشوارتر نیست از پیروزی‌ای که ملت ایران در ایجاد جمهوری اسلامی در ایران داشت. آن روز - روزی که طاغوت بر این کشور حکومت

میکرد - اگر کسی نگاه میکرد به صحنه‌ی عالم و به صحنه‌ی منطقه، جزو محالات قطعی بود که رژیم طاغوت در اینجا تغییر پیدا کند، آن هم اینکه تبدیل بشود به یک نظام اسلامی. این، جزو محالات به نظر می‌آمد و به حسب موازین طبیعی، به حسب موازین عادی، چنین چیزی ممکن نبود؛ مقدور نبود. قدرت بی‌کلام آمریکا در این منطقه و حمایت بی‌قید و شرطش از رژیم شاه، نداشتن هیچ گونه امکانی برای مبارزین در اینجا - یعنی امکانات ما آن روز در حال مبارزه، بسیار کمتر بود از امکاناتی که امروز مردم شما در غزه دارند یا در ساحل غربی دارند - در عین حال این اتفاق افتاد، این محال ممکن شد و واقع شد؛ به برکت تداوم مبارزه، به برکت توکل به خدا، به برکت رهبری عازم و جازم و قاطع امام بزرگوارمان. من می‌گویم این اتفاق در مورد فلسطین ممکن است پیش بیاید. بعضی نگاه میکنند به صحنه، قدرت آمریکا را نگاه میکنند، پشتیبانی غرب را از صهیونیستها نگاه میکنند، قدرت شبکه‌های مالی صهیونیستها را در آمریکا و در سایر نقاط عالم می‌بینند، قدرت تبلیغاتی‌شان را می‌بینند، به نظرشان می‌آید که برگرداندن فلسطین به فلسطینی‌ها یک امر ناممکنی است. من می‌گویم نه، این امر ناممکن، ممکن خواهد شد؛ به شرط ایستادگی و استقامت. خدای متعال می‌فرماید که: «فلذلک فادع و استقم کما امرت». استقامت لازم است، ایستادگی لازم است، ادامه دادن راه لازم است. این ادامه دادن راه، یکی از مقدماتش همین گردهمائی‌های شماس، هماهنگی‌های شماس، تبلیغات جهانی شماس؛ همین حرفهائی که آقایان زدید و همه درست است. این پیشنهادها همه لازم است و همه درست است؛ اینها لازم است. افکار عمومی دنیا را اینها مسموم کردند. ۰۸/۱۲/۱۳۸۸

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه‌ی همایش غزه

راه حل مسئله فلسطین

مسئله‌ی غزه و مسئله‌ی فلسطین، مسئله‌ی ماست؛ مسئله‌ی اسلامی ماست؛ مسئله‌ی همه‌ی مسلمین است و وظیفه‌ی ماست. آنچه که انجام هم می‌دهیم، وظیفه‌ی ماست؛ بر کسی هم منت نداریم؛ وظائفمان را انجام دادیم. از خدای متعال هم می‌خواهیم که کمک کند، بتوانیم وظائف را انجام بدهیم؛ لکن شما دوستانی که اینجا حضور دارید، روی همین حرفهائی که این آقایان زدند: اینی که اصل، مبارزه است؛ اینکه هیچ راه حلی جزو مقاومت در قضیه‌ی فلسطین وجود ندارد، روی این حرفها ایستادگی کنید. این حرفها را صریحاً بزنید؛ نگذارید مجاملات سیاسی و جوسازی‌های سیاسی بر این منطق غلبه پیدا کند. هر کسی از فلسطینی‌ها که از راه مقاومت پایش را کنار گذاشت، ضرر کرد. اسرائیل در خواست صلح صادق نیست؛ اگرچه اگر صادق هم بود، غلط میکرد و او در اینجا حق ندارد؛ اما صادق هم نیست. آن کسانی که در راه مذاکره وارد شدند، مجبور شدند تحمیلات دشمن را قبول کنند. اگر یک لحظه پایشان را از مسیر تحمیلات دشمن دور گذاشتند، یا حذف شدند یا تحقیر شدند؛ که شما نمونه‌های هر دواش را ملاحظه کردید و دیدید. بعضی‌ها را حذف کردند، بعضی‌ها را هم تحقیر و تدریء کردند. راه قدس، راه فلسطین، راه نجات مسئله‌ی فلسطین و حل مسئله‌ی فلسطین، جز راه مبارزه نیست، که آقایان این را گفتند و من خوشحالم از اینکه می‌بینم این مسئله در جمع شماها مورد اتفاق است و همه آن را قبول دارید. آن کسی که این راه را قبول ندارد، چه دانسته و چه ندانسته، دارد به مسئله‌ی فلسطین ضربه می‌زند. اگر دانسته باشد، اسمش خیانت است؛ اگر ندانسته باشد، اسمش جهل و غفلت است؛ علی‌ای‌حال ضربه است به مسئله‌ی فلسطین؛

ضربه میزنند به مسئله‌ی فلسطین. فلسطین هیچ راهی جز مقاومت ندارد؛ این را باید بگویند، باید بخواهند؛ دولتهای اسلامی هم باید همین را تکرار کنند. البته بسیاری از دولتهای عرب، در قضیه‌ی غزه و قبل از او در قضایای دیگر، امتحان بسیار بدی دادند؛ بسیار امتحان بدی دادند. هر وقت صحبت مسئله‌ی فلسطین شد، می گفتند مسئله‌ی فلسطین مسئله‌ی عربی است! آن وقتی که وقت عمل آمد، مسئله‌ی فلسطین بکلی از همه‌ی معادلاتشان حذف شد و به جای اینکه به فلسطین کمک کنند، به فلسطینی کمک کنند، به برادر عرب خودشان کمک کنند - اگر به اسلام هم عقیده ندارند، اقلأً به عربیت خودشان پایبند باشند - همه از میدان عقب کشیدند! بسیار امتحان بدی دادند. اینها هم در تاریخ خواهد ماند. و این سزاها و جزاها مربوط به آخرت فقط نیست، در دنیا هم اینجور است. همچنانی که نصرت خداوند نسبت به شماها که دارید مبارزه میکنید، مال آنجا نیست. در همین آیه‌ای که خواندند - که آقای خالد مشعل هم تکرار کردند - ملائکه میگویند: «نحن اولیاءکم فی الحیاة الدنیا و فی الآخرة». بنابراین فقط برای آخرت نیست، در دنیا هم ملائکه الله، فرشتگان الهی و قوای معنوی الهی کمک میکنند آن کسانی که: «قالوا ربنا الله ثم استقاموا». اینها کمک میکنند. ۰۸/۱۲/۱۳۸۸

[بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه‌ی همایش غزه](#)

راه حل مسئله فلسطین

فلسطین هیچ راهی جز مقاومت ندارد؛ این را باید بگویند، باید بخواهند؛ دولتهای اسلامی هم باید همین را تکرار کنند. ۰۸/۱۲/۱۳۸۸

[بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه‌ی همایش غزه](#)

راه حل مسئله فلسطین

نجات فلسطین با در پیوزگی از سازمان ملل یا از قدرتهای مسلط و به طریق اولی از رژیم غاصب به دست نمی آید، راه نجات فقط ایستادگی و مقاومت است. ۱۴/۱۲/۱۳۸۷

[بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین](#)

راه حل مسئله فلسطین

مغالطه‌ی بزرگی که در قضیه‌ی فلسطین بر ذهن برخی از دست‌اندرکاران چنگ انداخته این است که کشوری بنام اسرائیل یک واقعیت شصت ساله است و باید با آن کنار آمد. من نمیدانم اینها چرا از واقعیت‌های دیگری که در برابر چشم آنان است درس نمیگیرند؟ مگر کشورهای بالکان و قفقاز و آسیای جنوب غربی پس از هشتاد سال بی‌هویتی و تبدیل به بخشهایی از شوروی سابق، بار دیگر هویت اصلی خود را باز نیافتند؟

چرا فلسطین که پاره‌ی تن جهان اسلام است نتواند بار دیگر هویت اسلامی و عربی خود را بازیابد؟ و چرا

جوانان فلسطینی که در شمار باهوشترین و مقاومترین جوانان عربند نتوانند اراده‌ی خود را بر این واقعیتِ ظالمانه فائق گردانند؟

مغالطه‌ی بزرگ دیگر آن است که گفته شود تنها راه نجات ملت فلسطین، مذاکره است! مذاکره با کی؟ با رژیم غاصب و زورگو و گمراهی که جز به زور، به هیچ اصل دیگری معتقد نیست؟ آنان که به این بازیچه و فریب خود را دلخوش کردند چه به دست آوردند. آنچه آنها به عنوان حکومت خودگردان از صهیونیستها گرفتند، با صرفنظر از ماهیت تحقیرآمیز و اهانتبار آن، اولاً با هزینه‌ی سنگینِ اعتراف به مالکیت رژیم غاصب بر تقریباً سراسر فلسطین تمام شد، ثانیاً همان حکومت نیم‌بند و دروغین را هم با بهانه‌های واهی در مواردی زیر پای خود لگد کوب کردند؛ محاصره‌ی یاسر عرفات در ساختمان مدیریتش در رام‌الله و انواع تحقیر و تذلیل او حادثه‌ای نیست که فراموش شود.

ثالثاً: چه در زمان عرفات و چه بویژه پس از او با مسئولان حکومت خودگردان مانند رؤسای کلانتریهای خود رفتار کردند که وظیفه‌شان تعقیب و دستگیری مجاهدان فلسطینی و محاصره‌ی اطلاعاتی و پلیسی آنهاست، و بدینصورت تخم کینه را در میانه‌ی گروههای فلسطینی پاشیدند و آنها را به جان یکدیگر انداختند.

و رابعاً: همان اندازه دستاورد ضعیف هم فقط ببرکت جهاد مجاهدان و مقاومت غیور مردان و زنان تسلیم‌ناپذیر بود. اگر انتقاضه‌ها رخ نمیداد صهیونیستها با وجود تنازل پی‌درپی رؤسای سنتی فلسطین در برابر آنها، همین اندازه را هم هرگز به آنان نمیدادند. ۱۴/۱۲/۱۳۸۷

[بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین](#)

راه حل مسئله فلسطین

نجات فلسطین با در پیوستگی از سازمان ملل یا از قدرتهای مسلط و به طریق اولی از رژیم غاصب به دست نمی‌آید، راه نجات فقط ایستادگی و مقاومت است، با توحید کلمه‌ی فلسطینیان و کلمه‌ی توحید که ذخیره‌ی بی‌پایان حرکت جهادی است.

ارکان این مقاومت، از سوئی گروههای مجاهد فلسطینی و آحاد مردم مؤمن و مقاوم فلسطین در داخل و خارج آن کشورند؛ و از سوئی دیگر، دولتها و ملتهای مسلمان در سراسر جهان، بویژه عالمان دینی و روشنفکران و نخبگان سیاسی و دانشگاهیان. اگر این دو رکن مستحکم در جای خود قرار گیرند، بیشک وجدانهای بیدار و دلها و اندیشه‌هایی که افسون تبلیغات امپراتوری خبری استکبار و صهیونیسم، آنها را مسخ نکرده، در هر نقطه‌ی عالم به یاری ذیحق و مظلوم خواهند شتافت و دستگاه استکبار را در برابر طوفانی از اندیشه و احساس و عمل قرار خواهند داد.

نمونه‌ی این حقیقت را در طول روزهای اخیر مقاومت پرشکوه غزه همه دیدیم. گریه‌ی رئیس غربی یک سازمان خدماتی بین‌المللی در برابر دوربین رسانه‌ها، اظهارات همدردانه فعالان سازمانهای بشردوستانه،

تظاهرات بزرگ و صمیمی مردم در قلب پایتخت‌های اروپائی و شهرهای امریکا، اقدام شجاعانه‌ی رؤسای چنددولت در امریکای لاتین، همه و همه نشانه‌ی آن است که دنیای غیرمسلمان نیز هنوز به دست نیروهای شرآفرین و فسادآفرین - که نام قرآنی آنها شیطان است - به طور کامل تسخیر نشده و هنوز میدان برای جولان حقیقت، باز است.

آری، مقاومت و صبر مجاهدان و مردم فلسطین و حمایت و کمک همه‌جانبه به آنان از سراسر کشورهای اسلامی خواهد توانست طلسم شیطانی غصب فلسطین را بشکند. انرژی عظیم امت اسلامی میتواند مشکلات جهان اسلام و از جمله، مشکل حاد و فوری فلسطین را حل کند. ۱۴/۱۲/۱۳۸۷

بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین

راه حل مسئله فلسطین

گره مسئله‌ی فلسطین با دخالت آمریکائی‌ها باز نمیشود؛ کورتر میشود. هرچه آمریکائی‌ها در این قضیه دخالت کنند، گره را کورتر میکنند. ملت فلسطین، ملت بیداری است؛ ملت آزاده‌ای است؛ ملت روشن‌فکری است. دولتی انتخاب کرده است، بگذارید آن دولت با پشتیبانی آن ملت کارهای خودش را بکند. دخالت آنها، آن هم دخالت یکجانبه، زورگویانه، به نفع رژیم غاصب صهیونیستی، هرچه میگذرد، ماجرای فلسطین را دشوارتر میکند. البته این مسائل حل خواهد شد؛ هم مسئله‌ی عراق حل خواهد شد، هم مسئله‌ی فلسطین حل خواهد شد؛ اما آن روزی حل خواهد شد که با حل این مسائل، از حیثیت و هویت و موجودیت استکبار آمریکائی هم دیگر چیزی باقی نخواهد ماند. ۱۹/۰۲/۱۳۸۷

بیانات در دیدار مردم لار

راه حل مسئله فلسطین

ملت غزه، ملت فلسطین امروز با قدرت ایستاده‌اند؛ جای تحسین دارد؛ حقیقتاً باید این ملت را تحسین کرد. زیر این فشار عظیم اقتصادی از یک طرف، و تهاجم و کشتار و فاجعه‌آفرینی و تخریب و حملات گوناگون، آتشباری بر روی زن و کودک از یک طرف دیگر، در عین حال این ملت ایستاده‌اند. هدف آنها این است که بین این ملت و بین دولت منتخبشان جدائی بیندازند و هر کار می‌خواهند بکنند و آن سیاست را اجرا کنند. نشستند آن کنفرانس تاریخی را - که کنفرانس بسیار ننگینی بود برای این منطقه - راه انداختند، نتیجه‌اش شد این. نتیجه‌ی نشستن با امریکا و با صهیونیست غاصب و درباره‌ی منطقه رایزنی کردن و تصمیم‌گیری کردن، همین است. رئیس جمهور امریکا آمد منطقه و رفت، این آتش به جان مردم و زن و کودک منطقه‌ی غزه افتاد؛ این محاصره، این کشتار.

مذاکره کردن با اینها - در حالی که هدف آنها روشن است در این منطقه - چه فایده‌ای دارد؟ دولتهای اسلامی باید تصمیم بگیرند؛ محاصره‌ی غزه را باید ابطال کنند. ملت و دولت مصر در این زمینه وظیفه‌ی بزرگی برعهده دارند؛ همه‌ی ملتهای مسلمان هم بایستی کمک کنند تا دولت و ملت مصر بتواند به وظیفه‌ی خودش در این زمینه عمل کند. یک زندان بزرگ یک میلیون و نیمی درست کنند و زن را، کودک را، بچه را،

از گرسنگی، از بی‌سیری، از تشنگی، از نبودن سوخت، از نبودن گرما در زمستانِ سخت، آنجور بیازارند، مزارعشان را نابود کنند، باغاتشان را نابود کنند، تجارتشان را از بین ببرند؛ به اینها اکتفا نکنند؛ حملات هوایی و زمینی هم بکنند. این قابل تحمل است؟ نباید غاصبان و پشتیبانانشان بتوانند از عناصر دیگری از فلسطینی‌ها علیه این مردم مظلوم استفاده کنند. اگر چنین اتفاقی بیفتد، این ننگ بر روی پیشانی آنها تا ابد خواهد ماند. نباید از دولتهای عرب بتوانند در این زمینه استفاده کنند. این یک مسئله‌ی بسیار مهم است.

راهی هم که ملت فلسطین برگزیده است، همان راه درست است؛ یعنی راه مقاومت، راه ایستادگی و همین است که بالاخره ملت فلسطین را نجات خواهد داد. ۱۹/۱۱/۱۳۸۶

بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش

راه حل مسئله فلسطین

اولین مطلبی که در خطبه‌ی دوم باید عرض کنم، سپاس فراوان از ملت ایران به خاطر راهپیمایی روز قدس است. حقیقتاً باید گفت: درود بر ملت ایران! عظمت ملی خود را، عظمت جایگاه اسلامی خود را، عزت خود را به دنیا نشان دادید. نقش این راهپیماییها بسیار زیاد است. استعمارگران از وقتی فلسطین را اشغال کردند، هدفشان این بود که نام و یاد فلسطین را به فراموشی بسپارند؛ اصلاً مردم دنیا و نسلهای بعدی فراموش کنند که روزی یک سرزمینی در دنیا بوده است، یک کشوری بوده است به اسم فلسطین؛ هدفشان این بود. بعد که نتوانستند و این قیام عظیم ملت فلسطین - چه در انتفاضه‌ی اول و چه در انتفاضه‌ی مسجدالاقصی - بار دیگر این شعله را در دنیا برافروخته کرد و دلهای ملتها و آحاد مردم و منصفان عالم را به خود متوجه کرد، راه علاج را این دانستند که مجموعه‌ی عرب فلسطینی را در گوشه‌ای از این سرزمین، در واقع زندانی کنند؛ محصور کنند و کشور آباد پر نعمت فلسطین و منطقه‌ی حساس فلسطین را به طور خالص در اختیار صهیونیستها و با هویت صهیونیستی نگه دارند و عربها را به طرف غزه و ساحل غربی برانند.

امروز هم وقتی به رفتار صهیونیستها نگاه کنید، می‌بینید هدفشان این است که هر چه میتوانند، این انگیزه‌های ایستادگی و استقامت را در مردم فلسطین نابود کنند؛ همه‌ی کارهاشان با این سیاست است: انگیزه‌ی مقاومت از بین برود. ولی مردم فلسطین ایستاده‌اند. اولاً مبارزه را رها نکردند، ثانیاً دولتی را با آراء خودشان سر کار آوردند که این دولت، شعارش ایستادگی و مقاومت و مبارزه‌ی با اشغالگران است و با همه‌ی فشارهایی هم که در این یکی دو سال اخیر بر این دولت و مردم آن منطقه وارد کردند، اینها محکم ایستاده‌اند؛ دارند مقاومت میکنند. ولی یک ملت تنها، منزوی در یک گوشه، بدون دسترسی به هیچ نقطه‌ای از نقاط عالم، غیر از امید به خدا باید دلخوشیهای داشته باشد. این شعار عظیم ملتهای مسلمان به نفع فلسطین، به آنها روحیه میدهد؛ دلهای آنها را برای استقامت بیشتر آماده میکند، علاوه بر اینکه افکار عمومی دنیا را به حقانیت داعیه‌ی فلسطین آشنا میکند. ۲۱/۰۷/۱۳۸۶

بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر

راه حل مسئله فلسطین

ملت غزه، ملت فلسطین امروز با قدرت ایستاده‌اند؛ جای تحسین دارد؛ حقیقتاً باید این ملت را تحسین کرد. زیر این فشار عظیم اقتصادی از یک طرف، و تهاجم و کشتار و فاجعه‌آفرینی و تخریب و حملات گوناگون، آتشباری بر روی زن و کودک از یک طرف دیگر، در عین حال این ملت ایستاده‌اند. هدف آنها این است که بین این ملت و بین دولت منتخبشان جدائی بیندازند و هر کار می‌خواهند بکنند و آن سیاست را اجرا کنند. نشستند آن کنفرانس تاریخی را - که کنفرانس بسیار ننگینی بود برای این منطقه - راه انداختند، نتیجه‌اش شد این. نتیجه‌ی نشستن با امریکا و با صهیونیست غاصب و درباره‌ی منطقه رایزنی کردن و تصمیم‌گیری کردن، همین است. رئیس جمهور امریکا آمد منطقه و رفت، این آتش به جان مردم و زن و کودک منطقه‌ی غزه افتاد؛ این محاصره، این کشتار.

مذاکره کردن با اینها - در حالی که هدف آنها روشن است در این منطقه - چه فایده‌ای دارد؟ دولتهای اسلامی باید تصمیم بگیرند؛ محاصره‌ی غزه را باید ابطال کنند. ملت و دولت مصر در این زمینه وظیفه‌ی بزرگی برعهده دارند؛ همه‌ی ملتهای مسلمان هم بایستی کمک کنند تا دولت و ملت مصر بتواند به وظیفه‌ی خودش در این زمینه عمل کند. یک زندان بزرگ یک میلیون و نیمی درست کنند و زن را، کودک را، بچه را، از گرسنگی، از بی‌سیری، از تشنگی، از نبودن سوخت، از نبودن گرما در زمستان سخت، آنجور بیازارند، مزارعشان را نابود کنند، باغاتشان را نابود کنند، تجارتشان را از بین ببرند؛ به اینها اکتفا نکنند؛ حملات هوائی و زمینی هم بکنند. این قابل تحمل است؟ نباید غاصبان و پشتیبانانشان بتوانند از عناصر دیگری از فلسطینی‌ها علیه این مردم مظلوم استفاده کنند. اگر چنین اتفاقی بیفتد، این ننگ بر روی پیشانی آنها تا ابد خواهد ماند. نباید از دولتهای عرب بتوانند در این زمینه استفاده کنند. این یک مسئله‌ی بسیار مهم است.

راهی هم که ملت فلسطین برگزیده است، همان راه درست است؛ یعنی راه مقاومت، راه ایستادگی و همین است که بالاخره ملت فلسطین را نجات خواهد داد. ۱۹/۱۱/۱۳۸۶

[بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوائی ارتش](#)

راه حل مسئله فلسطین

اولین مطلبی که در خطبه‌ی دوم باید عرض کنم، سپاس فراوان از ملت ایران به خاطر راهپیمائی روز قدس است. حقیقتاً باید گفت: درود بر ملت ایران! عظمت ملی خود را، عظمت جایگاه اسلامی خود را، عزت خود را به دنیا نشان دادید. نقش این راهپیمائیها بسیار زیاد است. استعمارگران از وقتی فلسطین را اشغال کردند، هدفشان این بود که نام و یاد فلسطین را به فراموشی بسپارند؛ اصلاً مردم دنیا و نسلهای بعدی فراموش کنند که روزی یک سرزمینی در دنیا بوده است، یک کشوری بوده است به اسم فلسطین؛ هدفشان این بود. بعد که نتوانستند و این قیام عظیم ملت فلسطین - چه در انتفاضه‌ی اول و چه در انتفاضه‌ی مسجدالاقصی - بار دیگر این شعله را در دنیا برافروخته کرد و دلهای ملتها و آحاد مردم و منصفان عالم

را به خود متوجه کرد، راه علاج را این دانستند که مجموعه‌ی عرب فلسطینی را در گوشه‌ای از این سرزمین، در واقع زندانی کنند؛ محصور کنند و کشور آباد پر نعمت فلسطین و منطقه‌ی حساس فلسطین را به طور خالص در اختیار صهیونیستها و با هویت صهیونیستی نگه دارند و عربها را به طرف غزه و ساحل غربی برانند.

امروز هم وقتی به رفتار صهیونیستها نگاه کنید، می‌بینید هدفشان این است که هر چه میتوانند، این انگیزه‌های ایستادگی و استقامت را در مردم فلسطین نابود کنند؛ همه‌ی کارهاشان با این سیاست است: انگیزه‌ی مقاومت از بین برود. ولی مردم فلسطین ایستاده‌اند. اولاً مبارزه را رها نکردند، ثانیاً دولتی را با آراء خودشان سر کار آوردند که این دولت، شعارش ایستادگی و مقاومت و مبارزه‌ی با اشغالگران است و با همه‌ی فشارهایی هم که در این یکی دو سال اخیر بر این دولت و مردم آن منطقه وارد کردند، اینها محکم ایستاده‌اند؛ دارند مقاومت میکنند. ولی یک ملت تنها، منزوی در یک گوشه، بدون دسترسی به هیچ نقطه‌ای از نقاط عالم، غیر از امید به خدا باید دلخوشیهای داشته باشد. این شعار عظیم ملتهای مسلمان به نفع فلسطین، به آنها روحیه میدهد؛ دلای آنها را برای استقامت بیشتر آماده میکند، علاوه بر اینکه افکار عمومی دنیا را به حقانیت داعیه‌ی فلسطین آشنا میکند. ۲۱/۰۷/۱۳۸۶

بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر

راه حل مسئله فلسطین

این جنگ سی و سه روزه، یک طرف پیروزمند داشت، یک طرف شکست خورده. خوب معلوم است طرف پیروزمند، حزب‌الله لبنان، مقاومت لبنان، ملت لبنان و درواقع امت اسلامی بودند. همه‌ی ملتها خوشحال شدند. شنیدید و واقعیت همین است که امروز نام حزب‌الله و رهبر آن در دنیای اسلام و کشورهای عربی و بین ملتها، جزو شیرینترین نامهاست. افرادشان جزو محبوبترین انسانهایند. در کشور خود ما هم همین‌طور است. در ترکیه، مصر، شمال آفریقا و در کشورهای اسلامی، همه‌جا همین‌طور است. این نشان‌دهنده‌ی این است که همه‌ی دنیای اسلام خودشان را در این پیروزی سهیم میدانند. طرف شکست خورده، البته صهیونیستها بودند؛ دولت جعلی اسرائیل بود؛ اما هیچ‌کس در دنیا نماند که امریکا را هم جزو طرفهای شکست خورده نداند. اروپاییها هم این را تصریح کردند، دیگران هم گفتند، خود امریکاییها هم با زبان بی‌زبانی به شکلهای مختلف، گفتند. امریکا هم در این قضیه شکست خورد. بدیهی است اینها در سطوح مختلف، وابستگی‌های هم در منطقه دارند؛ آنها هم جزو جناح شکست خورده محسوب میشوند. همان که عرض کردیم، این پیروزی از یک طرف و شکست از یک طرف، یک حادثه‌ی بزرگ بود و عبرتهایی هم با خودش دارد که ملتها - چه دشمنان بخواهند، چه نخواهند - از این عبرتها استفاده خواهند کرد؛ یعنی ملت فلسطین، ملت عراق، ایران و ملتهای دیگر، همه به چشم خودشان دیدند که راه مقاومت و ایستادگی، تنها راه پیروزی است؛ راه دیگری وجود ندارد؛ ولو مقاومت کننده یک گروه کوچک باشد؛ ولو آن قدرتی که در مقابل آن مقاومت میشود، ارتش درجه‌ی یک دنیا باشد و از طرف امریکا هم حمایت بشود. هرچه باشد، این یک راز و سنت الهی است. ۲۱/۰۷/۱۳۸۵

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران

راه حل مسئله فلسطین

حرف ما در باب مسأله‌ی فلسطین یک حرف منطقی و مقبول است. ده‌ها سال پیش، جمال عبدالناصر - که محبوب‌ترین چهره‌ی عرب محسوب می‌شد - در شعارهای خود می‌گفت ما یهودی‌های غاصب فلسطین را به دریا می‌ریزیم. سالها بعد از آن، صدام حسین - که منفورترین چهره‌ی عرب محسوب می‌شد و می‌شود - اعلام می‌کرد که ما نصف سرزمین فلسطین را آتش می‌زنیم. ما هیچ‌کدام از این دو حرف را قبول نداریم. با اصول اسلامی ما، نه به دریا ریختن یهودی‌ها، نه آتش زدن سرزمین فلسطین، معقول و منطقی نیست. حرف ما این است که ملت فلسطین باید به حق خود برسد. این کشور متعلق به مردم فلسطین است؛ فلسطین متعلق به فلسطینی‌هاست و سرنوشت فلسطین را هم باید فلسطینی‌ها معین کنند. این یک میدان آزمایشی برای صدق ادعای مدعیان دموکراسی و حقوق بشر است. آن کسانی که ادعا می‌کنند که طرفدار مردم‌سالاری ملت‌ها و کشورها هستند، فلسطین برای آنها میدان آزمایش است. ملت فلسطین؛ مردمانی که فلسطین متعلق به آنهاست - از مسلمان، یا مسیحی، یا یهودی - و سرزمین تاریخی آنهاست و تاریخ و جغرافیا به این گواهی می‌دهد، بایستی رأی و نظر بدهند؛ آنها در یک نظرخواهی مقابل چشم مردم جهان، در یک رفراندوم، تکلیف دولت فلسطین را معین کنند؛ و آن دولت، دولت مشروعی خواهد بود. در آن دولت، جنایتکارانی که در فلسطین جنایت کردند، باید مجازات شوند؛ امثال این شارون و بقیه‌ی جنایتکارهای فلسطینی. درباره‌ی آن کسانی هم که به این سرزمین از نقاط مختلف دنیا مهاجرت کردند، آن دولت تصمیم‌گیری خواهد کرد که چه باید بکند. این، حرفی است منطقی. ۱۳/۰۸/۱۳۸۴

[بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر](#)

راه حل مسئله فلسطین

عقب‌نشینی صهیونیست‌ها از غزه بعد از ۳۸ سال اشغال غزه، حادثه‌ی بسیار مهمی است. جالب است بدانید که این عقب‌نشینی یک انتخاب نبود که رژیم صهیونیستی انجام داد؛ این یک شکست و یک اجبار بود؛ از روی ناچاری و ناگزیری بود. الان فشار روانی این شکست روی همه‌ی ارکان ملت و دولت صهیونیستی اثر گذاشته و آنها را دارد تکان می‌دهد. بعضی از آنها قهر می‌کنند، بعضی‌شان اعتراض می‌کنند. چند روز پیش یک تظاهرات دویست هزار نفره در تل‌آویو به راه انداختند. متلاطمند، اما چاره‌ی نداشتند. عده‌ی می‌خواهند وانمود کنند که این عقب‌نشینی بر اثر مذاکره بود؛ این حرف خیلی کودکانه است. در طول ۷۰ سال اشغال فلسطین، صهیونیست‌ها از یک متر خاک اشغالی با مذاکره عقب ننشستند؛ مذاکره کدام است؟! این عقب‌نشینی بر اثر مقاومت فلسطینی‌ها بود. حادثه‌ی اول، عقب‌نشینی و فرار از جنوب لبنان بود؛ این هم حادثه‌ی دوم است که بر اثر مقاومت پیش آمد. ملت فلسطین بداند، گروه‌های جهادی فلسطین بدانند؛ در این دام نیفتند که خیال کنند مذاکره غزه را آزاد کرد؛ نخیر، مذاکره غزه را آزاد نکرد؛ هیچ نقطه‌ی دیگر را هم آزاد نکرد؛ تا ابد هم هیچ جا را آزاد نخواهد کرد. آنچه غزه را آزاد کرده، فشار مقاومت ملت فلسطین بوده است؛ آنها ناچار شدند.

نکته‌ی مهم دیگر این است که مسأله‌ی فلسطین با این عقب‌نشینی‌ها حل نخواهد شد؛ این را بدانند. هم امریکا بداند، هم صهیونیست‌ها بدانند، هم کسانی که حالت دلالی دارند و به شکل دلال دارند عمل می‌کنند، بدانند که مسأله‌ی فلسطین این‌طوری حل نخواهد شد. این که از یک قسمت عقب‌نشینی کنند، بعد قضیه

تمام شود، این نمی‌شود. کسی بیاید خانه‌ی شما را به زور اشغال کند، بعد از مدتی یک اتاق کوچک را آن گوشه‌ی خانه به شما بدهد، بقیه‌ی خانه را هم به اسم خودش ثبت کند؛ مگر می‌شود چنین چیزی؟ فلسطین را گرفته‌اند؛ حالا ناچار شده‌اند از گوشه‌ی فلسطین عقب‌نشینی کنند؛ کسی بگوید خیلی خوب، حالا که این‌جا را دادید، پس دیگر بقیه‌ی فلسطین مال شما! مگر می‌شود چنین چیزی؟ مسأله‌ی فلسطین این‌طوری حل نخواهد شد. مسأله‌ی فلسطین فقط یک راه دارد؛ همان چیزی که ما چند سال پیش اعلام کردیم: از فلسطینی‌های اصیل - چه آنهایی که داخل فلسطین هستند، چه آنهایی که در اردوگاه‌ها هستند، چه آنهایی که در کشورهای دیگر هستند؛ چه مسلمان باشند، چه یهودی باشند، چه مسیحی باشند، فرقی نمی‌کند؛ فلسطینی باشند - نظرخواهی کنند؛ هر دولتی که آنها خواستند، سر کار بیاید. آن دولت اگر مسلمان باشد، اگر مسیحی باشد، اگر یهودی باشد، اگر مخلوط باشد، چنانچه برخاسته‌ی از آراء خود فلسطینی‌ها باشد، مورد قبول است و مسأله‌ی فلسطین را حل خواهد کرد. بدون این، مسأله‌ی فلسطین حل نخواهد شد. ۲۸/۰۵/۱۳۸۴

[بیانات در خطبه‌های نماز جمعه](#)

راه حل مسئله فلسطین

دشمنیها [بر علیه انقلاب به خاطر] چیست؟ عده‌ای خیال می‌کنند مسئولان انقلاب یا امام رضوان الله علیه دشمن‌تراشی کرده‌اند؛ نه، قضیه این نیست. اگر شما خانه‌ای داشته باشید که گردن کلفت و ظالمی سالها آن را غصب کرده باشد، بعد شما با اسناد و مدارک به مراکز قانونی مراجعه کنید و ایستادگی کنید تا خانه را پس بگیرید، طبیعی است که آن غاصب با شما دشمن خواهد شد. نمی‌شود شما را ملامت کرد که دشمن‌تراشی کرده‌اید؛ شما خواسته‌اید حق خود را بگیرید؛ این دشمن‌تراشی نیست. سفره‌ای در مقابل بیگانگان پهن بود و بر سر این خوان یغما هر کاری می‌خواستند، می‌کردند. انقلاب این سفره را جمع کرده؛ معلوم است دشمن می‌شوند و کینه بر دل می‌گیرند و غیظ پیدا می‌کنند. این انقلاب در دنیای اسلام و دنیای عرب امیدها را زنده کرد. وقتی انقلاب ما پیروز شد، به‌طور کلی دنیای عرب و دنیای اسلام در یک حال رکود و سکوت و نومیدی به‌سرمی‌برد؛ صهیونیستها کار خودشان را پیش برده و همه را ترسانده بودند و هیچ ملتی گمان نمی‌کرد در امیدی برایش باز باشد. ناگهان دروازه‌ی عظیم فرج گشوده شد و ملتها امید پیدا کردند. صهیونیستها خیال می‌کردند فلسطین را خورده‌اند و تمام شده است. شما ببینید امروز ملت فلسطین با همه‌ی وجود و با همه‌ی توان وسط میدان آمده است و با اینکه فشار زیادی هم روی او وارد می‌کنند، باز ایستاده است. این فقط شکست اسرائیل نیست؛ این شکست امریکاست؛ این شکست همه‌ی قدرتهای صهیونیستی است که بر دنیا مسلطند. یک ملت بی‌سلاح محصور در اراضی فلسطین، همه‌ی این‌ها را عاجز و بیچاره کرده است. این روح امیدواری بود که ملت لبنان را بیدار کرد. همان ایام انقلاب ما، لبنان غوغایی بود؛ صهیونیستها هر کاری می‌خواستند، با لبنان می‌کردند؛ حمله می‌کردند، می‌کشتند، تجاوز می‌کردند و هواپیماهایشان در آسمان لبنان می‌آمدند و می‌رفتند؛ مثل اینکه آسمان کشور خودشان است! در عوض، گروههای لبنانی به جان هم افتاده بودند. نزدیک پیروزی انقلاب، یک‌نوار دوساعته از مرحوم دکتر «چمران» آورده بودند؛ بنده در مشهد آن را گوش می‌کردم. خودش در لبنان بود و جزئیات مصیبت‌های مردم لبنان را در آنجا شرح می‌داد. الآن کار مردم لبنان به جایی رسیده است که به

اسرائیل ضربه‌ای می‌زنند که از اوّل حضور صهیونیستها در این منطقه، هیچ دولت عربی چنین ضربه‌ای به آن‌ها نزده است. دو سال قبل، آن‌ها را وادار به عقب‌نشینی کردند؛ چند هفته‌ی پیش هم علی‌رغم صهیونیستها چند زندانی خود را آزاد کردند و قدرت‌مندانه جشن گرفتند. اگر در دل ملتی امید نباشد، این چیزها پیش نمی‌آید؛ این امید را شما دادید. امروز این امیدآفرینی در همه‌ی دنیای اسلام و عرب به چشم می‌خورد، که مجال نیست جزئیات نمونه‌ها را به شما عرض کنم. انقلاب ایران دنیای اسلام را امیدوار و زنده کرد. معلوم است وقتی انقلاب با این خصوصیات وارد میدان می‌شود، کسانی که از رکود و ضعف دنیای اسلام بهره‌مند بودند، با آن دشمن می‌شوند؛ یک موجود زنده هم که ما باشیم، از خود دفاع می‌کنیم. یک ملت وقتی زنده است و با او دشمنی کرده‌اند، طبیعی است که عکس‌العمل نشان می‌دهد. نمی‌شود ما دست بسته بنشینیم، با ما دشمنی کنند- دشمنی سیاسی، دشمنی اقتصادی- ما هم بگوییم چون نمی‌خواهیم دشمن‌تراشی کنیم، ساکت بمانیم و از خود دفاع نکنیم! اینکه منطق عقلایی نیست. مسأله‌ی دشمنیها این است. ۲۴/۱۱/۱۳۸۲

[بیانات در خطبه‌های نماز جمعه](#)

راه حل مسئله فلسطین

اگر کسی مسائل فلسطین را هرچه بیشتر مرور و تعمّق کند، بیشتر این معنا برایش واضح می‌شود که دولت امریکا و صهیونیستها در فلسطین به بن‌بست کامل رسیده‌اند؛ نه راه پیش رفتن دارند، نه راه عقب‌گرد کردن؛ محکوم به شکست هستند. نسل نوح‌استه فلسطین بیدار شده و فهمیده است که راه نجات از دست دشمن اشغالگر چیزی جز مبارزه نیست؛ فهمیده است که حضور در جلسات جهانی و برطبق میل اشغالگران و حامیان آنها حرف زدن، راه نجات فلسطین نیست؛ فهمیده است باید بایستد، بخواهد، همت و فداکاری کند، تا به هدف برسد. این را ملت فلسطین از بُنِ دندان دانسته و فهمیده است؛ لذا مقاومت می‌کند. وقتی سرچشمه این احساس از منشاء دینی و اعتقاد به توحید ناشی شود - که امروز بحمدالله در فلسطین این‌طور است - هرگز خشک نخواهد شد. امیدواریم خدای متعال روز پیروزی فلسطینیها را هرچه نزدیکتر بفرماید. ۰۵/۰۹/۱۳۸۲

[بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر](#)

راه حل مسئله فلسطین

راه حلّ مسأله فلسطین، راه حلّهای تحمیلی و دروغین نیست. تنها راه حلّ مسأله فلسطین این است که مردم واقعی فلسطین - نه مهاجران غاصب و اشغالگر - چه آنهایی که در داخل فلسطین ماندند، چه آنهایی که در بیرون فلسطین هستند، خود نظام حاکم بر کشورشان را تعیین کنند. اگر اتّکاء به آراء یک ملت از نظر مدّعیان دموکراسی در دنیا حرف راستی است، ملت فلسطین هم یک ملت است و باید تصمیم بگیرد. رژیم غاصبی که امروز در سرزمین فلسطین بر سر کار است، هیچ حقّی بر این سرزمین ندارد؛ یک رژیم جعلی، دروغین و ساخته دست قدرتهای ظالم است. بنابراین از مردم فلسطین نباید بخواهند این رژیم را به رسمیت بشناسند. اگر کسی در دنیای اسلام این اشتباه را بکند و این رژیم ظالم را به رسمیت بشناسد، علاوه بر این‌که برای خود روسیاهی و ننگ به وجود خواهد آورد، کار بی‌فایده‌ای هم کرده است؛

چون این رژیم قابل دوام نیست. صهیونیستها خیال می‌کنند توانسته‌اند بر فلسطین مسلط شوند و تا ابد فلسطین متعلق به آنهاست! نخیر؛ این‌طور نیست. سرنوشت فلسطین این است که قطعاً یک روز کشور فلسطین خواهد شد. ملت فلسطین در این راه قیام کرده است. وظیفه ملت‌ها و دولتهای مسلمان این است که این فاصله را هر چه بیشتر کم کنند و کاری کنند که ملت فلسطین به آن روز برسد. ۱۴/۰۳/۱۳۸۱

بیانات در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)

راه حل مسئله فلسطین

برای مواجهه با ظلم فجیعی که این روزها نسبت به مردم فلسطین اعمال می‌شود، دو راه علاج وجود دارد. این دو راه علاج اجتناب‌ناپذیر است و باید همه آن را قبول کنند و از این دو راه بروند:

راه اول، ادامه انتفاضه و ایستادگی مردم فلسطین است، که بحمدالله تاکنون ایستاده‌اند. اوج این ایستادگی، همین عملیات استشهادی است. این‌که یک مرد، یک جوان، یک پسر و یک دختر حاضر می‌شود برای منافع و مصالح ملت و دینش جان خود را فدا کند، اوج افتخار و شجاعت و شهادت است. این همان چیزی است که دشمن از آن می‌ترسد. لذا شما ملاحظه کردید، از رئیس جمهور امریکا گرفته تا همه کسانی که در سراسر دنیا در خط امریکا کار می‌کنند و حرف می‌زنند، سعی کردند با شماتت و ملامت و فلسفه‌بافی، عملیات استشهادی را متوقف کنند. نه؛ عملیات استشهادی اوج عظمت یک ملت و اوج حماسه است. آن‌جایی که یک نیروی نظامی با کمال فداکاری از میهن خود دفاع می‌کند، مگر عملیات استشهادی نیست؟ آن‌جایی که یک ارتش ظالم و ستمگر به یک کشور تجاوز می‌کند و مردم آن کشور در مقابل آن ارتش می‌ایستند، مگر آن‌جا عملیات استشهادی نیست؟ کیست که بتواند چنین کاری را محکوم کند؟ کیست که بتواند از عظمت و ارزش این کار در چشم انسانهای باوجدان و بالانصاف بکاهد؟ عملیات استشهادی، اوج عظمت آنهاست. حالا عده‌ای بنشینند برای خودشان بگویند و بنویسند و ملتی را که پنجاه سال است به خاطر کوتاهی گذشتگانش و به خاطر عدم توجه نسل قبلی خودش به منافع بلند مدت، الان مجبور است با جان خود به میدان بیاید تا حقوق خود را زنده کند، ملامت کنند؛ مگر این در حال آن ملت تأثیر دارد؟ ملت فلسطین، زنده و بیدار است و پیش می‌رود.

راه دوم، حمایت‌هاست. همه دنیا باید از اینها حمایت کنند. البته ملت‌ها حمایت کردند. در اروپا هم ملت‌ها حمایت کردند، دست به راهپیمایی زدند و با انواع و اقسام راه‌ها و شیوه‌ها، خواست قلبی خود را نشان دادند. حتی در داخل کشور ایالات متحده امریکا هم این حمایت‌ها ابراز شد. بعد از این هم این چیزها ادامه خواهد داشت؛ لیکن دولتها باید به وظیفه خود عمل کنند. از همه واجب‌تر، دولتهای اسلامی و بالخصوص دولتهای عربی هستند. ۱۱/۰۲/۱۳۸۱

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان

راه حل مسئله فلسطین

خوب؛ حالا راه‌حل چیست؟ ما برای این قضیه راه حل داریم. این راه‌حلهایی که ارائه می‌شود، راه حل

نیست. فلسطین در پنجاه سال اخیر یک مسأله مهمّ دنیا و خاور میانه بوده است. برای این که این مسأله مهم و این مشکل بغرنج حل شود دو نوع راه حل همیشه پیشنهاد شده است: یک راه حلّ غلط، یک راه حلّ درست. راه حلّ غلط این است که با همین غاصبی که نه به ارزشهای انسانی پایبند است و نه به قوانین بین المللی، و به قطعنامه های سازمانهای بین المللی گردن نمی نهد، مذاکره کنند و با او به یک نقطه توافق برسند. این راه حل، راه حلّ غلطی است؛ این به هر شکلش ظاهر شود غلط است. اسرائیل نشان داده است که به هیچ امضای خود پایبند نیست؛ اگر توافق هم بکنند، امضاء هم بکنند، پایبند نمی ماند. بزرگترین قویترین استدلال بر این معنا هم همین وضع امروز رام الله است. خوب؛ خودشان نشستند در اسلو امضا کردند؛ حکومت خودگردان را به رسمیت شناختند. حالا بفرمایید؛ این رفتاری است که با حکومت خودگردان و با طرف مذاکره شان - یعنی یاسر عرفات - انجام می دهند. اینها به امضای خودشان پایبند نیستند. هر امضایی که طرف مقابل به اینها بدهد، پایشان را روی آن امضاء می گذارند یک قدم جلو می آیند. طبیعتشان این است. این راه حل، راه حلّ درستی نیست. البته من این مطلبی که می گویم، طرف خطاب کسانی نیستند که می خواهند به هر قیمتی شده، این غده سرطانی را حفظ کنند. آنها این حرف را قبول نمی کنند؛ ما این را می دانیم. لکن طرف خطاب من، دولتهای عربی، دولتهای اسلامی، ملتهای مسلمان و وجدانهای بیدار در همه جای دنیا است؛ من با آنها حرف می زنم. این راه حل که طعمه ای در دهن این متجاوز بیندازند و او را فربه تر کنند تا قادر شود قدم بعدی را بردارد، راه حل نیست؛ این تجربه پنجاه ساله فلسطین است. قطعنامه ها در سازمان ملل صادر شد. هر چند امریکا هم که مدافع صهیونیستها بوده به ظاهر پای آن قطعنامه ها را امضا کرد، اما این غاصب به این قطعنامه ها عمل نکرد و کسی هم نگفت بالای چشم ابروست! با چنین دولتی و با چنین طرفی، انسان چه مذاکره ای بکند؟! این راه حل راه حلّ غلطی است؛ این راه حلّ درستی نیست.

اما برای این مسأله، راه حلّ منطقی وجود دارد. راه حلّ منطقی راه حلی است که همه وجدانهای بیدار دنیا و همه کسانی که به مفاهیم امروز دنیا معتقدند، ناچارند آن را قبول کنند. ما یک سال و نیم قبل هم این راه حل را گفتیم و دولت جمهوری اسلامی بارها در مجامع و در مذاکرات بین الدولی آن را تکرار کرده است. الان هم ما همان را می گوئیم و بر آن هم اصرار می ورزیم: راه حلّ نظرخواهی از خود مردم فلسطین؛ همه کسانی که از فلسطین آواره شده اند؛ البته آنهایی که مایلند به سرزمین فلسطین و به خانه خودشان برگردند. این یک امر منطقی است. این کسانی که در لبنان و در اردن و در کویت و در مصر و در بقیه کشورهای عربی سرگردانند، به کشور و به خانه خودشان فلسطین برگردند - آنهایی که مایلند؛ نمی گوئیم کسی را به زور بیاورند - و از کسانی که قبل از سال ۱۹۴۸ که سال تشکیل دولت جعلی اسرائیل است، در فلسطین بوده اند - چه مسلمانان، چه مسیحی شان، چه یهودی شان - نظرخواهی شود. اینها در یک نظرخواهی عمومی، رژیم حاکم بر سرزمین فلسطین را تعیین کنند. این دموکراسی است. چطور برای همه دنیا دموکراسی خوب است، برای مردم فلسطین دموکراسی خوب نیست؟! چطور همه مردم دنیا حق دارند در سرنوشت خود دخالت کنند، اما مردم فلسطین حق ندارند؟! هیچ کس شک ندارد رژیمی که امروز در فلسطین بر سر کار است، رژیمی است که با زور، با حيله و ترفند و با فشار روی کار آمده است؛ در این کسی شک ندارد. صهیونیستها با مسالمت نیامده اند؛ مقداری با حيله و ترفند و مقداری با زور سلاح و فشار بر سرکار آمدند؛ لذا یک رژیم تحمیلی دارند. خیلی خوب؛ مردم فلسطین جمع شوند، رأی بدهند و نوع رژیمی را که در این کشور باید حاکم باشد، انتخاب کنند. آن رژیم و آن دولت، تشکیل شود و درباره

کسانی که بعد از سال ۱۹۴۸ به سرزمین فلسطین آمده‌اند، تصمیم‌گیری کند؛ هر چه تصمیم گرفت. اگر تصمیم گرفت بمانند، پس بمانند، اگر هم تصمیم گرفت بروند، پس بروند. این، هم آراء مردم است، هم دموکراسی است، هم حقوق بشر است، هم منطبق با منطق فعلی دنیا است. این راه حل. خوب؛ این راه حل باید اجرا شود. غاصب که با زبان خوش این راه حل را قبول نمی‌کند! این جاست که همه اطراف قضیه باید خودشان را مسؤول بدانند؛ هم دولتهای عربی، هم دولتهای اسلامی، هم ملتهای مسلمان در همه دنیا، هم بخصوص خود ملت فلسطین و هم مجامع جهانی. هر کدام مسؤولیتی دارند که اصرار بورزند این راه حل منطقی باید تحقق پیدا کند و می‌شود تحقق پیدا کند. بعضیها نگویند آقا! چنین چیزی خواب و خیال است و ممکن نیست؛ نخیر! می‌شود. کشورهای دریای بالتیک بعد از گذشت چهار سال و اندی که جزو شوروی سابق بودند، برگشتند و مستقل شدند. کشورهای منطقه قفقاز بعضی در حدود صد سال قبل از این که شوروی تشکیل شود در اختیار روسیه تزاری بودند؛ بعد برگشتند و مستقل شدند. الان قزاقستان، آذربایجان، گرجستان و بقیه مستقلند؛ خودشان هستند. پس این ممکن است. این طور نیست که این یک امر نشدنی باشد؛ نخیر، شدنی است. منتها اراده و عزم لازم دارد، جرأت و دلیری لازم دارد. کی باید دلیری به خرج دهد؟ ملتها یا دولتها؟ ملتها دلیرند، ملتها نمی‌ترسند؛ ملتها نشان داده‌اند که آماده‌اند. پس دولتها این جا وظیفه دارند؛ در رأس همه و مقدم بر همه، دولتهای عربی. نشست اخیر سران عرب در بیروت، نشست خوبی نبود. اینها می‌توانستند از این اجلاس استفاده‌های خیلی بزرگی بکنند که فقط به سود فلسطین نبود؛ به سود خود دولتهای عرب هم بود. امروز دولتهای عرب می‌توانند جلو بیفتند و محبوبیت و حمایت ملتهای خودشان را در قضیه فلسطین کسب کنند. اگر دولت و حکومتی مورد حمایت مردم خود باشد، دیگر امریکا نمی‌تواند با او کاری بکند، دیگر از امریکا نخواهد ترسید، دیگر لازم نمی‌داند که ملاحظه امریکا را بکند. در این قضیه، دولتهای عرب خیلی کارهای خوب می‌توانستند بکنند و می‌توانند بکنند.

من این‌طور به نظرم می‌رسد، از جمله کارهای مهمی که دولتهای عرب می‌توانند بکنند این است که صادر کنندگان نفت از نفت استفاده کنند. این حرفی که غربیها در دنیا به راه انداخته‌اند که از سلاح نفت استفاده نکنید، حرف درستی نیست. نفت مال ملتهاست و باید به سود خودشان از آن استفاده کنند. امریکاییها از گندم و از محصولات غذایی به عنوان سلاح استفاده کردند؛ در خیلی جاهای دنیا هم می‌کنند. چرا کشورهای اسلامی و عربی این حق را نداشته باشند؟ یک ماه - فقط یک ماه - به صورت نمادین و سمبلیک، صادرات نفت را به همه کشورهایی که با اسرائیل روابط حسنه دارند قطع کنند. امروز دنیا حرکت را - حرکت کارخانه‌ها - روشنایی و انرژی را - انرژی برق - و حرارت را، که سه عنصر اصلی زندگی‌اش است از نفت ما دارد. اگر نفت ما در اختیار آنها قرار نگیرد، حرکت کارخانجات، روشنایی و حرارت متوقف خواهد شد. مگر این چیز کمی است؟ دولتهای عرب به خاطر خودشان این کار را بکنند. یک ماه - نه این که دائم - به صورت نمادین به عنوان حمایت از ملت فلسطین این کار را بکنند، دنیا تکان می‌خورد. این از کارهایی است که می‌توانند بکنند.

کار دیگری که می‌توانند بکنند این است که تمام روابط و قراردادهای سیاسی و اقتصادی خودشان را با دولت صهیونیست قطع کنند و هیچ همکاری نکنند. ملتهای عرب از این خوشحال خواهند شد. ملتهای عرب پشت سر آن دولتهایی قرار خواهند گرفت که این اقدام شجاعانه را بکنند؛ وای به حال آن دولتی که ملتش

بفهمد از پشت سر با اسرائیل رابطه اطلاعاتی و امنیتی و غیره دارد! دولتهای اسلامی هم موظفند. آنها هم وظیفه‌شان کمتر از دولتهای عربی نیست؛ چون این قضیه قضیه عربی نیست؛ این قضیه فراتر از اینهاست؛ یک قضیه انسانی و اسلامی است. دولتهای اسلامی هم هر کدام که تواناییهای نفتی و امثال آن را دارند، همین‌طور می‌توانند عمل کنند. این کنفرانسی هم که وزرای خارجه کشورهای اسلامی در مالزی داشتند، کنفرانس خوبی نبود. البته اظهار موضع و اظهار وجودی کردند؛ اما ضعیف بود. بایستی از این قویتر اقدام می‌کردند. این همه دولت اسلامی، این همه کشور اسلامی، برادران مسلمانان آن‌ها را که گرفتار؛ باید اینها اقدام قویتری می‌کردند.

همه ملتها هم می‌توانند در اثرگذاری بر این قضیه تأثیر داشته باشند و در آن شرکت کنند. همه ملتهای مسلمان می‌توانند کمک کنند. کمک مالی به فلسطینیها، مخصوص به دولتها نیست که فلان دولت بگوید «آقا! من ده میلیون دلار، بیست میلیون دلار، پنجاه میلیون دلار داده‌ام» معلوم هم نیست کجا داده‌اند، چه طوری داده‌اند، به کی داده‌اند. امروز ملت فلسطین محتاج غذاست، محتاج داروست. ملت فلسطین گدا نیست، آقا! اما زیر سلطه دشمن است. همه موظفند به آن کمک کنند. فرض بفرمایید اگر در همه دنیای اسلام - در کشور ما و کشورهای دیگر - هر فردی از افراد مردم فقط هزار تومان به مردم فلسطین کمک کند، ببینید چه اتفاقی می‌افتد! یک میلیارد هزار تومان، چه تأثیری در مردم فلسطین و زندگی مردم فلسطین می‌گذارد!

هر خانواده‌ای به عدد افراد خانواده، هر کدام هزار تومان، در این کار خیر سهیم شود - حداقلش این است؛ هر کس هم خواست بیشتر بدهد، بیشتر بدهد - و این را به ملت فلسطین برسانند. برایشان آذوقه، دارو، امکانات و هر چه که برای ایستادگی و مقاومت لازم دارند، تهیه کنند و بفرستند. این کار را ملتها می‌توانند بکنند؛ دیگر احتیاج نباشد که فلان دولت بگوید «من فلان قدر می‌دهم». حالا چقدر می‌دهد، چه طور می‌دهد، آیا می‌دهد یا نمی‌دهد؛ بعد هم مورد تهدید قدرتی قرار گیرد. ملتها در این جهت سهیم شوند؛ با ملتها چه کار می‌توانند بکنند؟! در کشور ما اگر مردم دوست داشته باشند این کار را بکنند، می‌توانند همین هزار تومانها را در همین مراکز امدادی مثل هلال احمر و کمیته امداد و این مجامع امدادی که هست جمع کنند. این ثروت هنگفتی می‌شود و می‌تواند کمکی به مردم فلسطین باشد. و بالاتر از کمک مادی، کمک معنوی است؛ چرا که فلسطینیان احساس می‌کنند دل ملتها با آنهاست. این تظاهراتی که این روزها در دنیای اسلام اتفاق افتاد خیلی با ارزش بود. این حرکتی که امروز شما می‌خواهید بکنید و تا میدان فلسطین و مقابل سفارت فلسطین راهپیمایی کنید، بسیار کار با ارزشی است. اینها خیلی ارزش دارد؛ اینها خبرش منعکس می‌شود و مردم مظلوم فلسطین احساس می‌کنند که ملتها پشت سرشان هستند. البته ملت ما بحمدالله در این زمینه‌ها هیچ وقت کم نگذاشته است؛ هر وقت که برای این قضیه فرا خوانده شده، حضور پیدا کرده و اعلام موضع کرده است. و بالاخره مجامع جهانی و سازمان ملل باید فعال شوند. این مجامع حقوق بشر که همیشه یا غالباً در خدمت هدفهای استکباری‌اند، ولو یکبار هم شده، برخلاف خواسته دستگاههای استکباری، به نفع ملتها وارد شوند؛ افکار عمومی را در دنیا به خودشان متوجه کنند، ظالم و متجاوز را محکوم و ملت مظلوم فلسطین را تأیید کنند. اگر این فشارها انجام گیرد، طرح ایران در مورد فلسطین عملی خواهد بود و متجاوز مجبور خواهد شد. اگر دولتهای عربی، دولتهای اسلامی، ملتهای مسلمان و مجامع جهانی، همه در این راه فعال شوند، آن کار، عملی است. هر کس که در این زمینه کوتاهی

کند، مسلماً در نظر ملتها، در نظر تاریخ و بالاتر از همه در پیشگاه خداوند متعال مؤاخذ و مسؤول است.

همه وظیفه داریم. ۱۶/۰۱/۱۳۸۱

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه

راه حل مسئله فلسطین

برای مواجهه با ظلم فجیعی که این روزها نسبت به مردم فلسطین اعمال می‌شود، دو راه علاج وجود دارد. این دو راه علاج اجتناب‌ناپذیر است و باید همه آن را قبول کنند و از این دو راه بروند:

راه اول، ادامه انتفاضه و ایستادگی مردم فلسطین است، که بحمدالله تاکنون ایستاده‌اند. اوج این ایستادگی، همین عملیات استشهادی است. این که یک مرد، یک جوان، یک پسر و یک دختر حاضر می‌شود برای منافع و مصالح ملت و دینش جان خود را فدا کند، اوج افتخار و شجاعت و شهامت است. این همان چیزی است که دشمن از آن می‌ترسد. لذا شما ملاحظه کردید، از رئیس جمهور امریکا گرفته تا همه کسانی که در سراسر دنیا در خط امریکا کار می‌کنند و حرف می‌زنند، سعی کردند با شماتت و ملامت و فلسفه‌بافی، عملیات استشهادی را متوقف کنند. نه؛ عملیات استشهادی اوج عظمت یک ملت و اوج حماسه است. آن جایی که یک نیروی نظامی با کمال فداکاری از میهن خود دفاع می‌کند، مگر عملیات استشهادی نیست؟ آن جایی که یک ارتش ظالم و ستمگر به یک کشور تجاوز می‌کند و مردم آن کشور در مقابل آن ارتش می‌ایستند، مگر آنجا عملیات استشهادی نیست؟ کیست که بتواند چنین کاری را محکوم کند؟ کیست که بتواند از عظمت و ارزش این کار در چشم انسانهای باوجدان و باانصاف بکاهد؟ عملیات استشهادی، اوج عظمت آنهاست. حالا عده‌ای بنشینند برای خودشان بگویند و بنویسند و ملتی را که پنجاه سال است به خاطر کوتاهی گذشتگانش و به خاطر عدم توجه نسل قبلی خودش به منافع بلند مدت، الان مجبور است با جان خود به میدان بیاید تا حقوق خود را زنده کند، ملامت کنند؛ مگر این در حال آن ملت تأثیر دارد؟ ملت فلسطین، زنده و بیدار است و پیش می‌رود.

راه دوم، حمایتهاست. همه دنیا باید از اینها حمایت کنند. البته ملتها حمایت کردند. در اروپا هم ملتها حمایت کردند، دست به راهپیمایی زدند و با انواع و اقسام راهها و شیوه‌ها، خواست قلبی خود را نشان دادند. حتی در داخل کشور ایالات متحده امریکا هم این حمایتها ابراز شد. بعد از این هم این چیزها ادامه خواهد داشت؛ لیکن دولتها باید به وظیفه خود عمل کنند. از همه واجبتر، دولتهای اسلامی و بالخصوص دولتهای عربی هستند. ۱۱/۰۲/۱۳۸۱

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان

راه حل مسئله فلسطین

کنفرانس گذشته فلسطین که در تهران تشکیل شد، یک نقش اساسی و مثبت ایفا کرد؛ به این معنی که

کانون امیدی را برای مخالفان روند سازش فراهم کرد و درعین حال به مردم فلسطین روحیه و امید بخشید. مواضع ایران اسلامی و پایداری منحصر به فرد آن در میان دولتهای اسلامی نیز توانست به این مردم قهرمان امید بخشد. اینک نیز مردم فلسطین بیش از هر چیز به حمایت معنوی و پایداری در مواضع نیاز دارند. درست است که نیاز مالی نیز دارند و باید برای آن، اقدامات جدی نمود؛ ولی خود آنها در مصاحبه‌های مختلف می‌گویند که ما بیش از هر چیز به موضعگیری نیرومند عربی - اسلامی نیازمندیم.

کنفرانس شما باید زمینه تحقق چنین امری را فراهم نماید و مردم فلسطین را دلگرم به حمایت‌های بی‌دریغ و فراگیر امت اسلامی کند. شما نمایندگان کشورهای مختلف اسلامی می‌توانید با تلاش در این مسیر، امکانات ملتهای خودتان را برای آزادی فلسطین بسیج کنید. دفاع از ملت مظلوم فلسطین و قیام شجاعانه و مظلومانه آنان، وظیفه اسلامی همه ماست. امروز یک ملت مسلمان با چهره خون‌آلود، از وسط میدان نبرد، امت اسلامی را به یاری می‌طلبد. من فریاد آن زن فلسطینی را که در مقابل دوربین خبرنگار با صدای گرفته خود فریاد می‌زد: «یا للمسلمین...»، از یاد نمی‌برم.

همه مسلمانان و اعراب باید از مشروعیت مبارزات مردم فلسطین حمایت کنند. در مجامع بین‌المللی باید این نکته مورد تأکید قرار گیرد که مردم بی‌دفاعی که حقوق آنان سلب شده و تحت اشغال قرار گرفته‌اند، حق دارند برای احقاق حقوق خود مبارزه کنند. لذا استمرار انتفاضه و مقاومت مردم فلسطین حق مشروع آنان است و قوانین بین‌المللی نیز آن را محترم شمرده است. هرچند که متأسفانه این قوانین معمولاً در جهت خواسته استکبار و قدرتهای جهانی تفسیر می‌شود.

حضار محترم! مطمئن باشید که رژیم اسرائیل از درون پوسیده و نسل‌کنونی به هیچ وجه آمادگی ایثار و فداکاری برای حفظ آن را ندارد.

بحمدالله ملتهای عرب و مسلمان، امروزه بیش از هر وقت دیگری در پنجاه سال گذشته، نیرومند و قوی هستند؛ آنها در زمینه‌های مختلف قدرتمند شده‌اند.

مسلمانان، دیگر نمی‌توانند شاهد سرکوبی روزانه ملت فلسطین باشند و ساکت بنشینند. به اسرائیل باید بفهمانید که استمرار سرکوبی ملت فلسطین و مناطق فلسطینی‌نشین، با عکس‌العمل شدید، جدی و عملی همه اعراب و مسلمانان مواجه خواهد شد.

مردم فلسطین را باید به ادامه مقاومت دلگرم کنید. مردم فلسطین خوب می‌دانند که آنچه بر اقدامات سرکوبگرانه‌ی اسرائیل در لبنان لگام زده است، توان مقاومت اسلامی در پاسخگویی به اسرائیل و وارد آوردن ضربات سهمگین به آن می‌باشد و نه اتکاء به تلاشهای مسالمت‌آمیز و میانجیگری این و آن.

وحدت درونی مردم فلسطین و جریانات مختلف فلسطینی یک نکته اساسی است. هرچیزی که موجب انحراف مسیر و عدم توجه به دشمن اصلی شود، یقیناً در خدمت آرمان فلسطین نخواهد بود. الحمدلله فلسطینیها در طول این پنجاه سال از این امتحان سربلند بیرون آمده و پختگی خود را نشان داده‌اند. دیدیم

که همه تلاشهای اسرائیل برای دامن زدن به اختلافات مجاهدین، ناکام ماند و تمامی جریانهای اصیل و جنبشهای مجاهد و مبارز، علی‌رغم گرایشهای متفاوت، با صبر انقلابی مانع از تحقق خواسته دشمن شدند. از این پس نیز باید چنین باشد.

امروز دیگر کاملاً روشن شده است آنهایی که گمان می‌کردند قضیه فلسطین یک امر مقطعی و محدود به بخش کوچکی از جهان اسلام است، کاملاً اشتباه می‌کردند. ذخایر عظیم سلاحهای هسته‌ای و کشتار جمعی ذخیره شده در زرادخانه‌های رژیم صهیونیستی، برای مقابله با مردم بی‌دفاع فلسطین نیست؛ بلکه برای برقراری سلطه بر جهان اسلام و بخصوص منطقه خاورمیانه است. این‌که حزب‌الله برای آزادی سرزمین اشغالی تلاش می‌کند و اسرائیل در تلافی به نیروهای سوریه حمله‌ور می‌شود، نشان بارزی از چنین نیت شیطانی اسرائیل و حامیان غربی آن است.

خط کَلّی مبارزه با رژیم غاصب باید این باشد:

الف - زندانی کردن رژیم غاصب در درون مرزهای سرزمین اشغالی و تنگ کردن فضای تنفس اقتصادی و سیاسی آن و گسستن پیوندهای آن با محیط پیرامونش.

ب - تداوم بخشیدن به مقاومت و مبارزه ملت فلسطین در داخل کشورشان و رساندن هرگونه کمکی که به آن نیاز دارند، تا تحقق پیروزی نهایی. ۰۴/۰۲/۱۳۸۰

[بیانات در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین](#)

راه حل مسئله فلسطین

عزیزان من! ملت ایران به همان اندازه‌ای که به قرآن نزدیک شده است، به عزت نزدیک شده است؛ به نجات نزدیک شده است؛ به رستگاری نزدیک شده است؛ به نصرت نزدیک شده است. راه نجات همه ملت‌های دنیا نزدیکی به اسلام و به قرآن است. راه نجات فلسطین نیز همین است. شما ببینید؛ پنجاه سال است که یک حکومت غاصب در کشور فلسطین تشکیل شده است. در طول این مدت، مبارزاتی هم انجام گرفت، لیکن به نهایت نرسید. چرا؟ چون در این مبارزات، دین خدا، ایمان اسلامی و حکم قرآنی ملاک نبود. امروز ملت فلسطین با نام اسلام علیه دشمن مبارزه می‌کند و این مبارزه در ارکان دشمن تزلزل ایجاد کرده است. اگر مسلمانها به آنها کمک کنند - که این وظیفه قرآنی همه است - یقیناً این راه کوتاه خواهد شد. اگر مسلمانها هم کمک نکنند، خود آنها مقاومت و ایستادگی کنند، باز هم پیروز خواهند شد؛ منتها پیروزی در حال غربت و تنهایی سخت‌تر است؛ مثل ملت ما که تنها ایستادگی کرد و شرق و غرب با او مخالفت کردند. در جنگ تحمیلی علیه ما، همه مراکز قدرت علیه ما شدند. ما غریبانه مقاومت کردیم؛ غربت را تحمل کردیم؛ اما از مقاومت دست برنداشتیم و خدای متعال ما را پیروز کرد. ملت فلسطین نیز همین‌طور است. برای رفتن در فضای زندگی شایسته انسان، مبارزه لازم است. وظیفه همه مسلمانهاست که در این مبارزه سهیم شوند و به آن قطعه از پیکر اسلامی که در دست دشمن است، یاری برسانند تا بتوانند آن را پس بگیرند. یک مصداق از عمل به قرآن این است. اگر مسلمانها به همین یک قانون و به همین یک دستور عمل کنند، بسیاری از کارها اصلاح خواهد شد. ۰۹/۰۸/۱۳۷۹

راه حل مسئله فلسطین

امروز از آن دوره‌هایی است که سرنوشت ملت فلسطین می‌تواند یک زاویه پیدا کند به سمت آنچه که مطلوب دنیای اسلام است. چرا؟ چون یک نسل در فلسطین بیدار شده است. یک حزب را می‌شود سرکوب کرد، یک مجموعه را می‌شود از میدان خارج کرد، تعدادی انسان را می‌شود از مجاهدتشان یا از شجاعت ورزیدنشان پشیمان کرد؛ اما یک نسل رو به رویش را به هیچ قیمتی نمی‌توان از راهی که شناخته است و به آن روآورده است، منصرف کرد. امروز مسأله این است. این نسلی که امروز بار مسأله فلسطین را بر دوش گرفته است، بیدار شده و حقیقت را فهمیده است. حقیقت به چیست؟ حقیقت این است که قدرتمندان، سیاستمداران و ثروتمندان دنیا، در برهه‌ای از زمان تصمیم گرفتند یک ملت را از روی زمین محو و یک کشور را از نقشه جغرافیا خارج کنند و به خیال خودشان توانستند این کار را بکنند. عده‌ای را کشتند، عده‌ای را بیرون کردند، عده‌ای را سرکوب کردند؛ خیال کردند قضیه تمام شد؛ در حالی که یک ملت را، آن هم ملتی مثل ملت فلسطین؛ ملتی با سابقه درخشان، با فرهنگ غنی و عمیق اسلامی، با استعدادهای درخشانی که در میان این ملت وجود دارد - فلسطینیها ملت برجسته‌ای هستند و مردمان با استعداد و شخصیت‌های بزرگ در میانشان کم نیستند - قدرتهای دنیا؛ انگلیس و امریکا و صهیونیستها و فلان کمپانی‌دار و فلان محفل قدرتمند جهانی بخواهند از عرصه وجود خارج کنند، این شدنی نیست؛ کما این که نشد.

آنها اشتباه کردند که خیال کردند ملت فلسطین و کشور فلسطین تمام شد. فلسطین باقی مانده است؛ ملت فلسطین باقی مانده است. در کنار وجود ملت فلسطین، یک غصب بزرگ هم وجود دارد. عده‌ای را از اطراف دنیا جمع کردند، یک ملت جعلی و دروغین تشکیل دادند، اسمی هم روی آن گذاشته‌اند، با ابزارهای قدرت هم آن را مجهز کرده‌اند؛ این در کنار واقعیت ملت فلسطین، امروز خودنمایی می‌کند؛ این حقیقت را نسل فلسطینی، امروز با همه وجودشان درک کرده‌اند؛ اولین قدم معرفت است؛ این معرفت را پیدا کرده‌اند و فهمیده‌اند که آن موجود جعلی، با همه پشتیبانیهای جهانی، غیرقابل شکست نیست؛ درست هم فهمیده‌اند؛ لذا وارد میدان شده‌اند. امروز وظیفه همه دولتهای اسلامی و همه ملتهای اسلامی این است که هر چه می‌توانند، به اینها کمک کنند. من ادعا نمی‌کنم که قضیه فلسطین در کوتاه‌مدت تمام خواهد شد؛ اما ادعا می‌کنم بدون شک فلسطین به فلسطینیها برخواهد گشت. زمان، ممکن است کوتاه یا بلند شود؛ بهایی که پرداخته می‌شود، ممکن است سنگین یا سنگین‌تر باشد؛ اما این واقعه اتفاق خواهد افتاد.

آنچه که تأثیر می‌گذارد، رفتار ما مسؤولان کشورهای اسلامی و ما ملتهای مسلمان است. اگر ما خوب رفتار کنیم، این زمان کوتاه‌تر و این هزینه کمتر خواهد شد. اگر ما بد رفتار کنیم، این زمان طولانی‌تر خواهد شد؛ این هزینه سنگین‌تر خواهد شد و این هزینه فقط بر دوش ملت فلسطین بار نخواهد شد؛ بر دوش همه دنیای اسلام بار خواهد شد. همان کسانی که کوتاهی می‌کنند، همان کسانی که به ظالم کمک می‌کنند، خودشان هزینه این کار را خواهند پرداخت؛ خودشان خسارت این را خواهند داد و تلخیش را خواهند چشید. لذا امروز همه مسلمانها وظیفه دارند.

این وظیفه چیست؟ این وظیفه عبارت است از کمک. کمک چگونه است؟ این البته شکل‌های مختلفی دارد؛ کمک‌های سیاسی، کمک‌های مالی، کمک‌های بین‌المللی؛ انواع و اقسام کمک‌ها را می‌شود به آنها کرد. این بایستی در مجامع بالای دنیای اسلام تصمیم‌گیری شود. این باید در بین مسؤولان و مقتدران دنیای اسلام رویش تصمیم‌گیری شود. اگر آنها تصمیم‌گیری نکردند، آن وقت ملت‌های مسلمان احساس خواهند کرد که وظیفه مستقیم متوجه آنهاست.

یقیناً در این جرائم، رژیم صهیونیستی تنها نیست. بلاشک شریک جرم او دولت ایالات متحده امریکا است. هر کسی امروز به آن ظالم کمک کند، در جرم او شریک است. ممکن است امروز اثری بر این مترتب نشود، اما از حافظه ملت‌ها و حافظه تاریخ پاک نخواهد شد.

ملت عزیز ما مسئله فلسطین را با همه وجود درک کرده است؛ ظلمی را که به دنیای اسلام شده، احساس کرده است؛ وظیفه‌ای را که خودش در این زمینه دارد، درک کرده است. دولت جمهوری اسلامی، همیشه در این قسمت پیش‌تاز بوده است؛ احساس وظیفه کرده است و آنچه را که می‌توانسته، انجام داده است. یقیناً این، نتایج بزرگی به دنبال خواهد داشت و ما امیدواریم - نشانه‌هایش را هم می‌بینیم - که تدریجاً دولت‌های اسلامی بعضی حقایق را بیشتر لمس می‌کنند؛ بعضی به متن قضیه نزدیک‌تر می‌شوند و راه را به سمت آنچه که وظیفه امت اسلامی است، نزدیک‌تر می‌کنند.

امیدواریم که خداوند به همه مسؤولان کشورهای اسلامی و به همه ملت‌های مسلمان که درباره این قضیه بزرگی که امروز در جریان است و نمی‌توان نسبت به آن بی‌تفاوت بود، احساس مسؤولیت می‌کنند، توفیق دهد. همه ما را در این راه هدایت و کمک کند و ان‌شاءالله مشکل مردم فلسطین را - که مشکل دنیای اسلام است - با قدرت بالغه خود، با عزت و قوت خود، به حلّ نهایی نزدیک کند. ۰۴/۰۸/۱۳۷۹

[بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی](#)

راه حل مسئله فلسطین

در فلسطین هم بسیج هست؛ بسیج فلسطینی که دنیا را امروز متوجه به خود کرده است. آن وقتی که سرنوشت قضیه فلسطین، دست چند نفر سیاستمدار باشد، مردم در آن نقشی نداشته باشند، جوانان در آن حرفی نداشته باشند؛ سرنوشت همان می‌شود که دیدید: ذلت پشت سر ذلت؛ عقب‌نشینی پشت سر عقب‌نشینی؛ میدان دادن به دشمن؛ سنگرها را یکی پس از دیگری به نفع دشمن زورگو، متجاوز، پُر رو و وقیح، خالی کردن. این آن وقتی است که مردم در صحنه نیستند. مردم را کنار گذاشتند؛ انگیزه‌های حقیقی‌ای که مردم را جذب می‌کند - یعنی انگیزه ایمانی - فراموش کردند و دهها سال مسئله فلسطین را عقب انداختند. من اول انقلاب به یکی از این سران فلسطینی که این‌جا آمده بود، گفتم چرا شما شعار اسلام را مطرح نمی‌کنید؟ عذرهای بیهوده‌ای آورد. نمی‌خواستند بکنند؛ دلشان به اسلام باور نداشت. امروز بیش از دوازده، سیزده سال است که ملت مسلمان فلسطین، با نام اسلام و با شعار اسلام به میدان آمده است. دشمن فوراً فهمید قضیه چیست. وقتی که در دهه قبل، انتفاضه در فلسطین شروع شد، دشمنان - یعنی صهیونیستها و رفیق‌های امریکایی‌شان - زودتر از همه احساس خطر کردند. دیدند باید این را نابود کنند؛

چون به نام اسلام است. ۲۹/۰۷/۱۳۷۹

بیانات در جمع بسیجیان حاضر در اردوی فرهنگی رزمی یاران امام علی(ع)

راه حل مسئله فلسطین

من حرف اولم در باب فلسطین این است که هیچ قدرتی در دنیا وجود ندارد که بتواند انگیزه آزادی و بازگشت فلسطین به صاحبان آن را در دنیا و در دل ملت‌های مسلمان و به‌طور ویژه در دل ملت فلسطین خاموش کند. راه علاج هم یک راه بیشتر نیست. من به کسانی که مسأله خاورمیانه را یک مسأله بحرانی دنیا می‌دانند و می‌گویند بایستی سعی کنیم بحران خاورمیانه مهار شود، می‌گویم تنها راه مهار کردن یا از بین بردن بحران خاورمیانه این است که ریشه بحران خشک شود. ریشه بحران چیست؟ رژیم تحمیلی صهیونیستی در منطقه. تا وقتی که ریشه‌ی بحران هست، بحران هم هست. راه حل این است که آوارگان فلسطینی از لبنان و هر نقطه دیگری که هستند، به فلسطین برگردند. این چند میلیون فلسطینی‌ای که در بیرون فلسطین زندگی می‌کنند، به فلسطین برگردند. مردم اصلی فلسطین - چه مسلمان، چه مسیحی، چه یهودی - فراندوم کنند و تصمیم بگیرند که چه رژیمی بر کشورشان حاکم باشد. اکثریت قاطع مسلمانند؛ تعدادی هم یهودی و مسیحی‌اند که اینها ساکنان اصلی سرزمین فلسطین‌اند و پدرانشان در این جا زندگی کرده‌اند. نظامی را که مطلوب این جمعیت است، سر کار بیاورند؛ بعد آن نظام تصمیم بگیرد با کسانی که در طول این چهل سال، چهل و پنج سال و پنجاه سال به فلسطین آمده‌اند، چه کار کند. نگهشان دارد، برشان گرداند، در نقطه خاصی اسکان داده شوند؛ این دیگر با آن نظام حاکم بر فلسطین است؛ این راه حل بحران است. تا وقتی این راه حل اجرا نشود، هیچ راه حل دیگری کارایی نخواهد داشت؛ امریکاییها هم با همه قدرت‌نمایی‌شان کاری نمی‌توانند بکنند. آنها هر کاری می‌توانسته‌اند، کرده‌اند؛ نتیجه این است که مشاهده می‌کنید. البته آنها از اوضاع این سه هفته فلسطین اشغالی، از قیام جوانان، از شجاعت مردان و زنان، از عزم و اراده والای آن مردم مظلوم و خشمگین، به‌شدت عصبانیند و مرتب می‌خواهند گناه را به گردن این و آن بیندازند. نه آقا! عامل قیام فلسطین جمهوری اسلامی نیست؛ عامل قیام فلسطین مردم لبنان نیستند؛ عامل قیام فلسطین خود فلسطینیها هستند؛ عامل قیام و انتفاضه فلسطینی، رنجها و غمهای متراکم شده در وجود این نسل جوانی است که امروز با امید و نشاط به میدان آمده است. ما البته آنها را تحسین می‌کنیم؛ ما آنها را از خودمان می‌دانیم؛ ما فلسطین را پاره تن اسلام می‌دانیم و با ملت فلسطین، با جوانان فلسطین احساس برادری و همخونی می‌کنیم؛ اما آنها هستند که انتفاضه را راه می‌برند.

این قراردادهایی هم که در «شرم‌الشیخ» و دیگر مناطق، بین اطراف بی‌مسئولیت قضیه بسته شده است، هیچ تأثیری ندارد. مایه شرمندگی قراردادکنندگان و کسانی که این قراردادها را بسته‌اند، خواهد شد. هیچ فایده‌ای ندارد؛ هیچ تأثیری نخواهد داشت.

در آینده بسیار نزدیکی اجلاس سران عرب تشکیل می‌شود. من لازم می‌دانم به سران کشورهای عربی مسئولیت بزرگی را که امروز متوجه آنهاست، یادآوری کنم. امروز امت اسلام از سران عرب انتظار دارد. امریکاییها سعی کردند در اجلاس «شرم‌الشیخ» کاری کنند که اجلاس سران عرب تحت تأثیر قرار گیرد. نباید تحت تأثیر قرار گیرند. امروز هر تصمیمی که در اجلاس سران عرب گرفته شود، مورد قضاوت

همیشگی تاریخ خواهد بود. سران عرب می‌توانند با تصمیمهای درست، برای خودشان در این اجلاس افتخار ابدی کسب کنند. البته مسأله فلسطین با این اجلاسها حل نمی‌شود؛ اما این اجلاسها می‌توانند مطالبات ملت فلسطین را به دنیا عرض کنند. نقدترین و فوری‌ترین مطالبات ملت فلسطین این است که عاملان کشتار فلسطینی در این سه هفته باید در یک دادگاه اسلامی یا عربی، محاکمه و مجازات شوند. آن موجود پلیدی که با حضور خود در مسجدالاقصی احساسات مردم مسلمان را جریحه‌دار کرد، باید مجازات شود. قدس شریف و شهر بیت‌المقدس باید از وجود صهیونیستها به‌کلی پاکسازی شود؛ اجازه داده شود که ملت فلسطین آزادانه نسبت به آینده و سرنوشت خود تصمیم بگیرد. اینها مطالبات نقدی است که سران کشورهای عربی می‌توانند مطرح کنند.

من به برادران و خواهران فلسطینی عرض می‌کنم: جهادتان را ادامه دهید. ایستادگیتان را ادامه دهید. بدانید هیچ ملتی جز به وسیله ایستادگی و مبارزه نمی‌تواند شرف خود و هویت خود و استقلال خود را به دست آورد. به هیچ ملتی، دشمن با التماس چیزی نخواهد داد. هیچ ملتی به خاطر ضعیف بودن و گردن کج کردن در مقابل دشمن، به چیزی نمی‌رسد. هر ملتی که در دنیا به جایی رسیده است، به خاطر عزم و اراده و ایستادگی و سینه سپر کردن و سر را بالا نگه‌داشتن رسیده است. بعضی از ملتها این توان را ندارند؛ اما آن ملتی که به اسلام معتقد است، آن ملتی که به قرآن معتقد است، آن ملتی که به وعده خدا معتقد است، آن ملتی که معتقد است «لینصرنَّ الله من ینصره (۱)» - هرکه خدا و دین خدا را یاری کند، خدا با تأکید او را یاری خواهد کرد - این توانایی را دارد. ۲۹/۰۷/۱۳۷۹

بیانات در جمع بسیجیان حاضر در اردوی فرهنگی رزمی یاران امام علی(ع)

راه حل مسئله فلسطین

اما این بار نیز، همچون گذشته از این جنایات هولناک طرفی نخواهد بست و نقشه‌های شوم و اوهام شیطانی او نقش بر آب خواهد شد.

به دنبال این شرارت ضد بشری و کینه توزانه، امواج خروشان اعتراض، مردم فلسطین، مسلمانان و مبارزان را فراگرفته و تظاهرات مردمی و دانشجویی در جای جای کشورهای اسلامی به راه افتاده و انتفاضه جان تازه‌ای یافته و راه جهاد پررورتر شده است.

امروز مسلمانان هوشیار و بیدار در تظاهرات گسترده و پرشور ضمن سردادن شعارهای حق‌طلبانه از مسئولین کشورهای اسلامی درخواست می‌کنند که راه جهاد را بگشایند و اجازه دهند مسلمانان به این وظیفه مهم به عنوان تنها راه حل عمل نموده و اشغالگران را از سرزمینهای غصب شده بیرون کنند تا فلسطینیان به سرزمین و خانه‌های خود برگردند.

امروز موج محکومیت حاکمان اشغالگر دامنه‌دارتر شده و راه سازشکاری کم‌رونق‌تر گردیده و هر روز بی‌نتیجه بودن آن بر همگان روشن‌تر می‌شود. ۱۳/۰۷/۱۳۷۹

پیام در پی جنایات اخیر رژیم اشغالگر صهیونیستی

راه حل مسئله فلسطین

هرجا که ما با اسلام و حقایق اسلام و وظیفه‌ای که اسلام برایمان معین کرده است، صادقانه برخورد کردیم، نصرت الهی و پیروزی و موفقیت، نصیب شد. ما، هم در مسائل داخل کشورمان این را تجربه کرده‌ایم، هم در مسائل دنیای اسلام این را دیده‌ایم. اگر مشاهده می‌کنید که جوانان مؤمن در لبنان توانستند پیروزی بزرگی را برای خودشان و برای امت اسلامی و ملت عرب به ارمغان بیاورند (۱)، این در سایه اسلام و در سایه آشنایی با اسلام و عمل کردن به حکم اسلامی در این مورد بود.

همیشه همین‌طور است. علاج دردهای امت اسلامی؛ علاج درد بزرگ امت اسلام و زخم عمیق دنیای اسلام - یعنی مسأله فلسطین - نیز همین است. کسانی گمان نکنند که قضیه فلسطین هم تمام و ملت فلسطین نابود و مسأله فلسطین در زیر این جنجالها و غوغاها دفن شد! این خطاست؛ این توهم باطل است. گذشت زمان نمی‌تواند حقی مثل مسأله فلسطین را از طومار عالم محو کند. فلسطین و ملت فلسطین، زنده و آینده فلسطین، روشن است.

شما ملاحظه کنید، چندین کشور - چه در آسیای میانه و چه در منطقه بالکان - بعضی پنجاه سال و بعضی هفتاد سال، جزو مجموعه شوروی بودند و کسی گمان نمی‌کرد که یک روز آنها دوباره به هویت خودشان برگردند؛ اما برگشتند! یک روز شوروی، شکست‌ناپذیر و زوال‌ناپذیر به نظر می‌آمد و ظاهربینان خیال می‌کردند مسأله کشورهای که در مجموعه شوروی، حل و گم شده بودند، برای ابد تمام شده است؛ اما این‌طور نبود. فلسطین نیز همین است. فلسطین که تمام‌شدنی نیست. فلسطین که از روی صحنه عالم، گم‌شدنی نیست؛ همچنان که جنوب لبنان، گم‌شدنی نبود. صهیونیستها به لبنان نیامده بودند که یک روز آن‌جا را تخلیه کنند. آمده بودند که آن‌جا برای همیشه بمانند! دیدید که مجاهدت و صبر و استقامت مردم و جوانان مسلمان لبنان در طول بیست سال، عرصه را بر دشمن، تنگ و او را مجبور به عقب‌نشینی کرد. عین این مسأله در مورد خود فلسطین، صادق است. مقاومت مردم مسلمان و تمسک به اسلام می‌تواند این نقشه جعلی و دروغین امروز را به هم بزند و نقشه حقیقی - نقشه فلسطین - و ملت فلسطین را دوباره به این سرزمین برگرداند. به فضل پروردگار، این کار شدنی است.

در سایه معرفت به اسلام و عمل به آن، بسیاری از چیزها که امروز ممکن است به چشمهایی محال و دشوار بیاید، هم شدنی است، هم وقتی که در عمل تحقق پیدا کرد، دیده خواهد شد که آن‌قدر هم دشوار و غیرعملی نبود. ۲۱/۰۳/۱۳۷۹

[بیانات در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت هفدهم ربیع‌الاول](#)

راه حل مسئله فلسطین

ما امروز باید ابتکار عمل را به دست گیریم. تا کنون همواره دشمن ابتکار عمل را در دست داشته و ما،

حداکثر شکوه و گله کرده‌ایم. فلسطین در یک فرآیند تاریخی متشکل از دهها ابتکار عمل از سوی دشمن، به ملک طلق صهیونیستها بدل شده است. نخست خریدن زمینهای فلسطینیان، سپس مسلح شدن صهیونیستهای مهاجر، بعد از آن جنگ داخلی و اعلام تجزیه فلسطین، سپس تصرف بخشهای جدیدی از آن کشور اسلامی و عربی و در نهایت تصرف همه آن و افزودن بخشهایی از کشورهای مصر و سوریه و اردن به آن! تا این‌جا فقط یکبار همسایگان عرب فلسطین، ابتکار عمل را به دست گرفتند و آن حمله رمضان سال هزار و سیصد و نود و سه هجری کشورهای سوریه و مصر بود، که اگر چه بر اثر همراهی امریکا با اسرائیل و کم‌همتی کشورهای اسلامی به نتایج کامل نرسید، ولی باز مایه افتخار جبهه عرب و رهاسازی بخشی از سرزمینهای عربی شد. پس از آن، باز همواره تا امروز صهیونیستها و حامیانشان و در رأس همه امریکا، ابتکار عمل را در دادن شعارهای سازش و عموماً در جهت تحکیم تصرف غاصبانه فلسطین در دست داشته و حریفهای خود را تا هر جا توانسته‌اند، به دنبال خویش کشانده‌اند. ما دولتهای مسلمان، در راه نجات فلسطین باید به کشورهای خط مقدم، کمکهای جدّی‌تری می‌کردیم. در گذشته بعضی از دولتهای ما حتّی از پشت هم به جبهه کشورهای خط مقدم، خنجر زده‌اند! نمونه بارز آن، دولت ایران در عهد پهلوی است. متأسفانه در آن روزگار، ایران خانه امن صهیونیستها و همکار صمیمی دولت غاصب بود!

برادران و خواهران عزیز! این وضع، با عزّت اسلامی ناسازگار و از راه علاج دردهای امت اسلامی، بسی دور است. هم باید همه کشورهای اسلامی در احقاق حق ملت فلسطین سهم شایسته‌ای بر عهده گیرند و هم دنیای اسلام باید از حالت انفعال به حالت ابتکار در آید. این هر دو وظیفه را عجالتاً فقط جوانان مؤمن و غیور فلسطین و لبنان، با همه وجود خود انجام می‌دهند. درود بر آنان! مخالفت ما با آنچه بدان گفتگوی صلح خاورمیانه می‌گویند، به دلیل ناعادلانه بودن، استکباری بودن و تحقیر آمیز بودن و بالاخره غیرمنطقی بودن آن است. اصل تحمیلی صلح در مقابل زمین به معنای آن است که صهیونیستها زمینهای کشورهای همسایه را پس بدهند، تا ما بپذیریم که کشور فلسطین متعلّق به آنها باشد! چه سخنی از این نا عادلانه‌تر است؟ چه پاسخی می‌توان به ملت کهن فلسطین در این معامله مغبونانه داد؟ از شوخیهای عبرت انگیز زمانه، یکی این است که دولت غاصب، همین را هم نامناسب دانسته و رد کرده است!! آیا وقت آن نرسیده که دنیای اسلام، به این روحیه استکباری پاسخ دهد؟ ما اگر مناسبات خود را تنظیم و برادرانه کنیم، این قدرت را داریم. امریکا در برابر جبهه متحد کشورهای اسلامی، از اندونزی تا شمال آفریقا، چه می‌تواند بکند؟ امروز دلگرمی استکبار، به پراکندگی این جبهه است. آیا وقت آن نرسیده که این صف را به نفع خودمان مستحکم کنیم؟ حضور دشمنی مانند حکومت صهیونیستی در قلب قلمرو اسلامی، شاید می‌توانست ما را به یکدیگر نزدیکتر سازد، ولی دستهای مرموز استکبار، این خطر را هم از برابر خود برداشت. با ما کاری کرد که اینک از یکدیگر بیشتر می‌ترسیم تا از دشمن! وسوسه‌ها و دروغها و تبلیغات موزیانه، کشورهای اسلامی را به غلط و نابجا از یکدیگر ترسانده است. ۱۸/۰۹/۱۳۷۶

[بیانات در آغاز هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی](#)

آن کسانی که برای فلسطین دل می‌سوزانند، برای صدها هزار و میلیون‌ها انسان از حقوق انسانی محروم شده دل می‌سوزانند. کسانی که با حضور دولت غاصب صهیونیستی در وطن فلسطینی مخالفت می‌کنند، برای بشریت، برای مادران داغ‌دیده و برای جوانان مؤمن دل می‌سوزانند؛ برای انسان‌هایی دل می‌سوزانند که حرفشان این است که خانه‌ی ما را به خود ما بدهید، وطن ما را از ما نگیرید، در داخل خانه‌ی ما این قدر به ما ظلم نکنید. آیا این حرف، خلاف است؟ آیا این حرف، زورگویی و خشونت است؟ آیا اگر کسی در این دنیا برای احیای حق ملیت خود مبارزه کند، مبارزه‌ی غیرعادلانه‌ی انجام داده است؟ ما از کسانی که امروز می‌گویند می‌خواهیم در قضیه‌ی فلسطین راه حل عادلانه پیدا کنیم، سؤال می‌کنیم که این راه حل عادلانه چیست؟ فلسطین متعلق به کیست؟ جز این که متعلق به فلسطینی است؟

آیا شما با تغییر اسم می‌توانید یک ملت را از اولیترین حقش - یعنی حق داشتن سرزمین خود - محروم کنید؟ آیا با تبلیغات می‌توانید یک ملیت دروغین به نام ملیت اسرائیلی به وجود بیاورید؟ آیا چنین چیزی مقبول است؟ آیا چنین چیزی مطابق با انصاف است؟ آیا چنین چیزی عادلانه است؟ مسأله غیر از اینهاست؛ مسأله این است که دنیای استکباری، به سرزمین فلسطین به عنوان قلب جغرافیایی جهان اسلام احتیاج دارد، تا اسلام را بکوبد، ملتهای اسلامی را زیر فشار قرار بدهد و از حرکت اسلامی مانع بشود.

دولت اسرائیل در این نقطه، قائم مقام حضور استکباری است، تا منافع استکبار را در این منطقه تأمین کند؛ قضیه این است. آیا انسان‌های سالم و بی غرض حاضرند گول تبلیغات دروغین و خباثت‌آلود استکبار را نسبت به فلسطین بخورند؟ امروز اردوگاه استکبار ایستاده است تا حق بزرگ ملت فلسطین و ملتهای اسلامی را تضییع کند. آیا ملتهای اسلامی حق دارند بنشینند و تضییع حق یک ملت مسلمان و تضییع حقوق خود را تماشا کنند؟!

راه حل مسأله‌ی فلسطین، راه حل روشنی است. کسانی که گول این مطلب را می‌خورند که بروند با دشمن - یعنی با عامل غصب - مذاکره کنند، خودشان را فریب می‌دهند. آنها می‌خواهند ملتها را فریب بدهند؛ اما ملتها فریب نمی‌خورند. راه حل مسأله‌ی فلسطین این نیست که بروند با اسرائیل غاصب فلسطین بنشینند حرف بزنند. آنها که در این منطقه صلح می‌خواهند، اگر خانه‌ی فلسطینیها را به خودشان برگردانند، صلح ایجاد خواهد شد. چرا شما افرادی را با ملیتهای مختلف روسی، انگلیسی، امریکایی، آفریقایی، آسیایی، از هند و از مناطق دیگر دنیا در این جا جمع کرده‌اید، تا مردمی را از خانه‌ی خودشان بیرون کنید؟ اگر شما صلح می‌خواهید، صلح به این است که افرادی که متعلق به کشورهای دیگرند، به خانه‌های خودشان برگردند و فلسطین را به فلسطینیها بدهند.

فلسطین متعلق به فلسطینیهاست. اگر مردم سرزمین فلسطین در داخل فلسطین - یعنی در همه‌ی فلسطین، بدون تجزیه - دولتی تشکیل بدهند، صلح خواهد شد. اگر شما راست می‌گویید، و اگر توطئه‌ی علیه ملت فلسطین و ملتهای اسلامی و علیه اسلام در نظر ندارید، راه حل این است. اما اگر نخواهید این راه حل را عمل کنید، اردوگاه استکبار بداند که با این نشست و برخاستهایی که ترتیب می‌دهند و با این تصمیم‌گیریها، مسأله‌ی فلسطین حل نخواهد شد؛ مبارزات فلسطین خاموش نخواهد شد، و نباید بشود.

اسرائیل ثابت کرده است که جز زبان زور، چیز دیگری نمی‌فهمد. با او جز با زبان قدرت یک ملت و قدرت یک امت اسلامی در سراسر عالم، نمی‌شود حرف زد. شما نمایندگان ملت‌های اسلامی هستید. شما نمایندگان مردم فلسطین، نمایندگان پارلمانها و نمایندگان ملت‌ها در این‌جا جمعید؛ نسبت به فلسطین تصمیم بگیرید. تصمیم باید استنقاذ فلسطین باشد، و لاغیر؛ و این هم یک راه بیشتر ندارد و آن راه، همان راهی است که عناصر انتفاضه‌ی مقدسه‌ی فلسطین آن را شناختند و دارند تعقیب می‌کنند؛ راه مبارزه در داخل سرزمینهای فلسطین؛ علاج این است و لاغیر.

شما یک‌چهارم جمعیت دنیا هستید. مسلمانان بزرگترین ابزارهای قدرت را در اختیار دارند. امروز دنیا به نفت شما محتاج است. امروز دنیا به منطقه‌ی حساس حیات و زندگی شما محتاج است. چرا امریکا باید بتواند چیزی را بر شما تحمیل بکند؟ تحمل نکنید، قبول نکنید. اینها شعار نیست؛ اینها واقعیهایی است که اگر ما همت بکنیم و با این تکلیف عظیم الهی و انسانی صادقانه برخورد نماییم، قابل تحقق و قابل عمل است.

امروز یک عده مسلمان، فداکار، برگزیدگان ملت فلسطین، از پیر و جوان و مرد و زن، در سرزمینهای مقدس فلسطین دارند مبارزه می‌کنند؛ به آنها کمک کنید؛ راه این است. کمک به فلسطین، یعنی کمک به عناصری که دارند مبارزه می‌کنند. کمک به فلسطین، معنایش این نیست که به عناصر سازشکاری که دلشان برای فلسطین نسوخته، بلکه دلشان برای منافع شخصی خودشان سوخته، کمک کنند. آن سازمانی مورد قبول است و نماینده‌ی واقعی مردم فلسطین است، که در راه آرمان فلسطین مبارزه بکند؛ نه آن سازمانی که برود آرمان فلسطین را به دشمن بفروشد و بر سر آن معامله بکند!

باید ملت‌های مسلمان حرکت کنند و احساس تکلیف نمایند. من آنچه را که به نظرم می‌رسد امروز باید گفته بشود و باید انجام بدهیم، در بیانیه (۱) گفته‌ام؛ الان هم دارم می‌گویم: ملت‌های اسلامی به هر نحو که می‌توانند، باید انواع کمک‌های خودشان را به آن مردمی که دارند در داخل فلسطین مبارزه می‌کنند، برسانند؛ این یک تکلیف شرعی و الهی و انسانی است. ۲۹/۱۱/۱۳۷۲

[بیانات در خطبه‌های نماز جمعه](#)

راه حل مسئله فلسطین

دشمن بداند که هیچ تهدید و هیچ ترفندی از قبیل شرکت دادن فلسطینیان پشت کرده به آرمان فلسطین در کنفرانس امریکایی، نخواهد توانست نفوس مؤمنه‌یی را که جهاد در راه نجات فلسطین را تکلیف اسلامی خود می‌دانند، از این مبارزه‌ی برحق رویگردان کند، و علی‌رغم خواست امریکا و دستیاران و وابستگانش، جهاد ملت فلسطین ادامه خواهد یافت و این شعله‌ی مقدس با خیانت سیاستمداران وابسته‌ی فلسطینی و عرب، خاموش نخواهد شد.

مهمترین علاج توطئه‌ی امریکا، در داخل سرزمینهای اشغالی و در دستان نیرومند مبارزان فلسطینی است، لیکن همه‌ی مسلمین موظفند در این جهاد شرکت جسته و کمک‌های مالی و سیاسی و اطلاعاتی و نظامی و

تجهیزاتی را به سوی آنان سرازیر کنند، ملت فلسطین باید احساس تنهایی نکند. صهیونیستها و کسانی که شکنجه و کشتار مبارزان فلسطینی منتسب به آنهاست، باید در هیچ جای جهان احساس امنیت نکنند. صندوقهای پشتیبانی و هسته‌های کمک به فلسطینیان مبارز باید در همه جای عالم و از سوی دولتها و ملتها تشکیل شود. تحریم اقتصادی دولت غاصب و به رسمیت نشناختن آن، وظیفه‌ی همه‌ی دولتهای مسلمان است و ملتها باید در برابر این مسأله حساسیت نشان دهند ... و با این وسایل و با همه‌ی وسایل ممکن باید با توطئه‌ی جاری مقابله، و از تأثیر آن ممانعت به عمل آید. به هر تقدیر مسأله‌ی فلسطین یک راه حل بیشتر ندارد و آن، تشکیل دولتی فلسطینی در تمامی سرزمین فلسطین است. ۲۵/۰۷/۱۳۷۰

[پیام در پی برگزاری کنفرانس صلح خاورمیانه](#)

راه حل مسئله فلسطین

نظر ما نسبت به مسائل فلسطین روشن و واضح است. ما راه حل فلسطین را نابودی رژیم اسرائیل می‌دانیم. ۲۸/۰۵/۱۳۷۰

[بیانات در دیدار جمعی از آزادگان](#)

راه حل مسئله فلسطین

نظر ما نسبت به مسایل فلسطین روشن و واضح است. ما راه حل فلسطین را نابودی رژیم اسرائیل می‌دانیم. نگویند نمی‌شود؛ نمی‌شود در دنیا نیست. همه چیز شدنی است. همه‌ی کوههای عظیمی که مانع راه حرکت انسانها باشد، برداشتنی است. چهل سال گذشته است؛ اگر چهل سال دیگر هم بگذرد، عاقبت دولت اسرائیل نابودشدنی است و باید نابود بشود. تا چند صباح قبل از این، هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که ابرقدرت شرق این‌گونه متلاشی بشود. اگر دو سال قبل کسی می‌گفت که ابرقدرت شرق از بین خواهد رفت، عده‌ی فیلسوفانه ریش می‌جنبانند که بله، شما ساده هستید! آن روزی که امام در نامه به گورباچف نوشتند که بعد از این مارکسیسم را باید در موزه‌ها پیدا کرد، عده‌ی پوزخند زدند! دو سال یا سه سال نگذشته بود که آن پیشگویی تحقق پیدا کرد. بعد از درگذشت امام، به یک سال نرسید که همه چیز دگرگون شد؛ چه‌طور نمی‌شود؟

قدرت استکباری امریکا هم از بین خواهد رفت، او هم متلاشی خواهد شد، این قدرت جهنمی ماندنی نیست، اسرائیل هم ماندنی نیست. این، حرف دولت و ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی است، و همین خواهد شد. این، در سایه‌ی هوشیاری شما ملت و هوشیاری ملتهای مسلمان عملی خواهد شد. ما باید تلاش کنیم. وظیفه‌ی ما تلاش کردن است. ۲۸/۰۵/۱۳۷۰

[بیانات در دیدار جمعی از آزادگان](#)

راه حل مسئله فلسطین

امروز این قضیه‌ی فلسطین، یکی از بزرگترین مسایل و مصایب دنیای اسلام است و در آینده نیز خواهد بود. مگر شوخی است که ملتی را از خانه و زندگی و کشور و سرزمین خود آواره کنند، غاصب مزدور خبیثی را آن‌جا بنشانند، همه‌گونه به او کمک کنند، همه‌ی جنایات او را صحنه بگذارند، دستشان تا مرفق در خون مردم منطقه فرو برود، به اینها هم قانع نباشند، بخواهند از مسلمانان و از صاحبان خانه امضاء بگیرند که این خانه متعلق به آن غاصب است و صاحب‌خانه در آن حقی ندارد؟! می‌خواهند این کار را بکنند.

آیا جوانان غیور فلسطینی مرده‌اند؟ آیا جوانان کشورهای اسلامی همجوار فلسطین و دیگر کشورهای اسلامی مرده‌اند که دشمنان بخواهند بزرگترین مسایل جهان اسلام را این‌طور راحت به سود خودشان و به زیان امت اسلامی حل کنند؟ این چه سکوتی است که امروز در دنیای اسلام هست؟ تا چند سال قبل از این، مگر کسی در دنیای اسلام جرأت می‌کرد سخن از گفتگو با دولت غاصب اسرائیل بر زبان بیاورد؟ یک نفر خائن - آن طاغوت مصری - جرأت کرد و اقدام نمود و بعد از اندکی سزای عمل خودش را هم دید.

امروز قضیه را به صورت یک قضیه‌ی ساده مطرح می‌کنند. آن طرف قضیه امریکا است که می‌گوید بیایید با صهیونیستها، با این دزدها، با این قاتلها، با این کسانی که چهل سال است ملت فلسطین را شکنجه می‌دهند و نسبت به همه‌ی دنیای اسلام سمپاشی و خیانت می‌کنند و از پشت خنجر می‌زنند و همه یا بیشتر مشکلات دنیای اسلام ناشی از اینهاست، بنشینید مذاکره کنید و امضاء نمایید که بیت‌المقدس و سرزمین فلسطین و جولان متعلق به صهیونیستها باشد!

امریکا در این قضیه چکاره است؟ دولت امریکا به چه مناسبت به خود حق می‌دهد در قضیه‌یی که متعلق به این ملت و این منطقه است، به صورت یک متولی، یک صاحب اختیار و یک قلدر وارد بشود و به این و آن دیکته بکند که چه کار باید بکنید؟! به شما چه؟ شما در قاره‌ی امریکا دست‌اندازی و تجاوز کردید، بی‌اجازه وارد شدید و آدم کشتید؛ آیا بستان نیست؟! در این منطقه‌ی خاورمیانه، دل یکایک آحاد مردم هوشیار و آگاه این ملتها، پُر از بغض و عداوت نسبت به شماست؛ باز نزدیک بیایید و به گمان خودتان بخواهید مسأله‌ی فلسطین را حل کنید! آیا راه حل این است؟! حل مسأله‌ی فلسطین به این است که دولت غاصب متلاشی بشود و از بین برود؛ صاحبان سرزمین بیایند و در آن‌جا حکومت تشکیل بدهند؛ و مسلمان و مسیحی و یهودی و هرچه هستند، با هم زندگی کنند. ۲۸/۰۵/۱۳۷۰

[بیانات در دیدار جمعی از آزادگان](#)

راه حل مسئله فلسطین

بیش از چهل سال است که ملت اسلام نام فلسطین را می‌آورد. مسلمین، متفکران اسلامی، نویسندگان و سیاستمداران، هزاران و هزاران بار گفته‌اند و هزاران نفر در این راه شهید شده‌اند. مگر می‌شود پاره‌ی تن جهان اسلام را همین‌طور در اختیار دشمنان گذاشت که آن را تصرف کنند و ملتی را از خانه‌ی خودش بیرون نمایند. مگر چنین چیزی می‌شود؟ مگر اسلام اجازه می‌دهد؟ مگر ملت‌های اسلامی اجازه می‌دهند؟

در فضای عالم، این جو آمادگی و حضور و انتظار و طلبگاری نسبت به فلسطین، باید روزبه‌روز بیشتر بشود. در داخل فلسطین هم باید این شعله‌ی مقدس روزبه‌روز برافروخته‌تر بشود. آن جوانان، آن زنان و مردان، آن نوجوانان، آن فداکارانی که در داخل فلسطین با رژیم غاصب مبارزه می‌کنند، باید بدانند نقطه‌ی اصلی همان جایی است که آنها بر روی آن انگشت گذاشته‌اند. این، آن جایی است که دشمن شکست خواهد خورد. این که سازمانها در خارج از مرزهای فلسطین پشت میزهای مذاکره بنشینند، یا در تریبونها به نام فلسطین خودنمایی کنند، مشکلی را حل نخواهد کرد. پشتیبانی عمومی دنیای اسلام از بیرون، و مبارزه‌ی واقعی و محسوس ملت فلسطین در داخل، این دو با هم مشکل را حل خواهد کرد و سر دشمن فلسطین را به سنگ خواهد کوبید. ۱۶/۰۱/۱۳۷۰

[بیانات در خطبه‌های نماز جمعه](#)

راه حل مسئله فلسطین

می‌توان گفت که این جلسه، مهمترین مسأله‌ی جهان اسلام را در دستور کار خود قرار داده است. تحقیقاً امروز در زندگی مسلمین و در آفاق اسلامی، هیچ مسأله‌یی به اهمیت و خطورت مسأله‌ی فلسطین نیست. بیش از چهل سال است که بتدریج مسلمین را با غصب بخشی از خانه‌ی خودشان عادت داده‌اند. فقط غصب خانه‌ی مسلمین نیست؛ بلکه قضیه بالاتر از این است. مسأله این است که دشمنان جهانی اسلام، بخشی از خانه‌ی مسلمین را برای حمله به صفوف مسلمین و برای مبارزه با خواسته‌ها و حرکات آنها، سنگر قرار داده‌اند.

متأسفانه در دنیای اسلام، آن کسانی که امکانات در دستشان بوده و می‌توانستند درباره‌ی این مسأله تصمیمهای مؤثری بگیرند، آن را در زاویه‌ی فراموشی - ولو نه به لفظ، اما در باطن امر - قرار دادند. ما اگر به خود بیاییم، خواهیم دید که این بزرگترین بلایی است که در دوره‌های اخیر، بر مسلمین نازل شده است. حکم اسلامی این قضیه، واضح است. احدی از مسلمین، درباره‌ی حکم منطبق بر قضیه‌ی فلسطین، تردیدی ندارد. این، همان مسأله‌یی است که در تمام کتب فقهی - که بحث جهاد در آن مطرح شده - آمده است. اگر کفار بیایند و بلد مسلمین را تصرف یا احاطه کنند، هیچیک از فقههای مسلمین - قدیم و جدید - در وجوب عینی جهاد در این مورد، تردید نکرده است. همه‌ی مذاهب اسلامی، در این معنا همعقیده هستند. جهاد ابتدایی، واجب کفایی است؛ اما در غیر این مورد. جهاد دفاعی که اظهر مصادیق دفاع هم هست، واجب عینی است.

مسأله‌یی با این وضوح و با این اهمیت، امروز در دنیای اسلام، مثل یک مسأله‌ی درجه‌ی دو مورد توجه قرار می‌گیرد. البته گناه اول، به عهده‌ی رؤسای مسلمین است. اگر زعمای مسلمین و رؤسای کشورهای اسلامی، متحداً و جداً بر استنقاذ فلسطین تصمیم بگیرند، خواهند توانست.

در مسأله‌ی فلسطین، آنچه که هدف است، استنقاذ فلسطین است؛ یعنی محو دولت اسرائیل. فرقی بین سرزمینهای قبل از سال ۶۷ و بعد از آن نیست. هر یک وجب از خاک فلسطین، یک وجب از خانه‌ی مسلمین

است. هر حاکمیتی غیر از حاکمیت مردم فلسطین و حاکمیت مسلمین بر کشور فلسطین، حاکمیت غاصب است. حرف، همانی است که امام راحل عظیم الشان فرمود: «اسرائیل بایستی محو بشود». یهودیهای فلسطین، اگر دولت اسلامی را قبول می‌کنند، در آن‌جا زندگی کنند. بحث، بحث یهودی‌ستیزی نیست. مسأله، مسأله‌ی غصب خانه‌ی مسلمین است. رؤسا و زعمای مسلمین، اگر تحت تأثیر قدرتهای جهانی قرار نداشتند، می‌توانستند این مهم را انجام بدهند؛ ولی متأسفانه نکردند.

امروز، حادثه‌ی بزرگی داخل سرزمینها در جریان است و آن، همین قیام اسلامی است که این روزها وارد چهارمین سال عمر خود می‌شود. این، همان چیزی است که باید فلسطین را نجات بدهد. این، همان چیزی است که حامیان و تولیدکنندگان اسرائیل، از آن می‌ترسیدند. این، همان چیزی است که بدان امید بود و این امید، امروز برآورده شده است. این، یک نعمت بزرگ الهی است.

اگر ما مسلمین، این نعمت را شکر کردیم، باقی خواهد ماند؛ «لئن شکرتم لازیدنکم». اگر به این نعمت کفران ورزیدیم، از دست خواهد رفت. شکر این نعمت به آن است که همه‌ی مسلمین در همه جای عالم، تکلیف شرعی خودشان بدانند که از این مبارزانی که امروز به نام اسلام مبارزه می‌کنند، حمایت نمایند. امروز، هیچ علاجی جز این نیست.

این حمایت، بایستی وسیع و همه‌جانبه باشد. هم حمایت سیاسی، هم حمایت تبلیغاتی، هم حمایت اخلاقی و هم حمایت نظامی لازم است. هرچه ممکن بشود، لازم و تکلیف است. مسلمین دنیا ببینند، کدامیک از انواع این حمایتها را می‌توانند بکنند. هرچه را که دانستند، تکلیف شرعی آنهاست و از آن نباید تخلف بکنند.

غالباً دو نکته از نظر شعاردهندگان به نام اسرائیل، دور می‌ماند. ما این دو نکته را اجمالاً عرض می‌کنیم. یکی از این دو نکته این است که دشمنی با غاصبان اسرائیل، با دوستی با کسانی که پشتیبان همه‌جانبه‌ی غاصبان اسرائیل هستند، نمی‌سازد. این، ممکن نیست. آن کسانی که خیال می‌کنند، از راه امریکا و همپیمانانش می‌توانند فلسطین را نجات بدهند، در اشتباه تأسفانگیزی بسر می‌برند. همچنان که از راه دولت اسرائیل نمی‌شود فلسطین را نجات داد، از راه دولت امریکا و همپیمانانش هم نمی‌شود فلسطین را نجات داد. هر حرکتی که به تکیه بر پشتیبانان دولت غاصب منتهی بشود، قطعاً یک حرکت انحرافی و یک غلط بزرگ است. اگر کسی شعار ضدیت با اسرائیل را می‌دهد، اما با همپیمانان اسرائیل در این مسأله هم‌صحبتی می‌کند و به آنها اتکا می‌نماید، باید دانست که دروغ می‌گوید. چنین چیزی ممکن نیست.

آن کسانی که اسرائیل را تغذیه می‌کنند، در جبهه‌ی اسرائیل هستند. آن کسانی که به هر نحوی از انحاء به اسرائیل کمک می‌کنند، در جبهه‌ی اسرائیل هستند. آن کسانی که با صهیونیستها مذاکره می‌کنند، در جبهه‌ی اسرائیل هستند. مبارزه برای استنقاذ سرزمین فلسطین، باید معنای حقیقی مبارزه را داشته باشد. مبارزه، نقطه‌ی مقابل سازش است. در این مسأله، سازش خیانت و مبارزه وظیفه است. هیچ‌کس سازش را به حساب مبارزه نگذارد. ۱۳/۰۹/۱۳۶۹

[بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین](#)

راه حل مسئله فلسطین

آنچه در مدت چهل سال اخیر از سوی رژیم غاصب به کشور و ملت فلسطین وارد آمده، برای تجربه کافی است. کافی است تا ثابت کند که از راه توسل به قدرتهای مسلط عالم و وابستگان آنها در منطقه، هیچ امیدی به نجات فلسطین نیست.

انقلاب بزرگ اسلامی ما نشان داد که کلید حل مشکلات بزرگ، در دست خود ملت‌هاست و اراده‌ی انسان‌هاست که در صورت تکیه به خدا و اعتماد به وعده‌ی الهی، بر تدبیر و خواست قدرتهای مسلط غلبه خواهد کرد. و امروز با حوادثی که در نقاط متعددی از جهان رخ داده، نقش ملتها بیش از پیش به اثبات رسیده است. در برابر درنده‌خویی رژیم صهیونیست غاصب فلسطین، تنها اراده‌ی ملت فلسطین است که می‌تواند بایستد و با مقاومت مردانه‌ی خود، دشمن را به عقب‌نشینی و قبول شکست وادار سازد.

دولت اسرائیل، با اعمال جنایتکارانه‌ی خود در فلسطین و لبنان و بمباران وحشیانه‌ی اردوگاهها و دزدی و آدم‌ربایی و فساد در داخل و خارج مرزهای فلسطین، نشان داده است که به هیچ اصل انسانی و هیچ قانون بین‌المللی پایبند نیست. آنها که گذشته‌ها را فراموش می‌کنند، چگونه می‌توانند جنایات روزمره‌ی صهیونیستها در فلسطین و لبنان را که بی‌وقفه ادامه دارد، نادیده بگیرند؟

خوشبختانه بیداری اسلامی ملت فلسطین، افقهای آینده را تا حدود زیادی روشن کرده است. امروز نسل نوین ملت فلسطین، با نام خدا و تمسک به ایمان اسلامی مبارزه می‌کند و این مبارزه‌ی بسیار امیدبخش است و چنانچه مشهود است، دشمن - چه حکام صهیونیست، چه امریکا و دیگر پشتیبانان اسرائیل و چه خیانتکاران منطقه - از این حرکت جدید کاملاً سراسیمه و دهشت‌زده است و برای لوٹ کردن و پوشاندن جهت اصلی مبارزه، به هر شیوه‌ی متوسل می‌شود که آخرین آن، همین شعار توخالی و دروغین حمله به اسرائیل است که حکام دست‌نشانده‌ی عراق بر زبان آوردند. همه می‌دانند که رژیم بعثی عراق، سلاحهایی را که از ابرقدرتها گرفته، هرگز بر ضد اسرائیل - که خود در زیر سایه‌ی ابرقدرتها زندگی می‌کند - به کار نخواهد گرفت و از آن، جز در خدمت هدفهای استکبار، یا برای باجگیری از ثروتمندان منطقه استفاده نخواهد کرد.

راه صحیح مبارزه با حکومت غاصب، همان است که امروز خود فلسطینی‌ها آن را یافته و قدم استوار خود را در آن گذاشته‌اند و وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانان است که آنان را در این مبارزه‌ی مقدس یاری کنند. امروزه، هیچ عذری از دولتهای مسلمان در بی‌تفاوتی نسبت به مسأله‌ی فلسطین پذیرفته نیست. دولت غاصب، وحشیگری و دمدنشی را به اعلی درجه رسانده و ثابت کرده است که در راه هدفهای توسعه‌طلبانه و خطرناک خود، آماده‌ی دست زدن به هر جنایتی است. قیام اسلامی ملت فلسطین نیز حجت را بر همه تمام می‌کند و نشان می‌دهد که علی‌رغم فشارهای همه‌جانبه‌ی دشمن و غدر و خیانت مدعیان دوستی، نهال مقاومت نخشکیده، بلکه ریشه‌دار و پُربار نیز شده است. لذا بر همه‌ی ملتها و دولتها واجب است که مسأله‌ی اسلامی فلسطین را صادقانه در زمره‌ی مسایل درجه اول خود دانسته و به قدر وسع خود به آن

کمک کنند.

اکنون، جمعه‌ی آخر ماه مبارک رمضان که از سوی امام راحل عظیم ما (رضوان‌الله‌علیه) روز قدس نامیده شده، در پیش روی ماست و در این ماه رمضان کاملاً مجاور لیالی قدر، باید همان‌طور که شب قدر را تا صبح به بیداری می‌گذرانیم و با دعا و تضرع خود به درگاه الهی، می‌خواهیم که آینده‌ی مطلوب برای ما رقم زده شود، روز قدس را و همه‌ی این ایام حساس را که لیلة‌القدر تاریخ اسلام است، به بیداری و هشیاری بگذرانیم و تا مطلع الفجر نجات ملت‌های مسلمان و مخصوصاً ملت شجاع و مظلوم فلسطین، دست از تلاش نکشیم. ۲۴/۰۱/۱۳۶۹

پیام به مناسبت روز جهانی قدس